

زمستان هر قدر طولانی و سخت، بهار اما فرا خواهد رسید



زمستان رفت و بهار با تمامی زیبایی‌های‌اش فرا رسید. آمدن بهار و نوروز حتی در سخت‌ترین شرایط برای مردمان ستمدیده‌ی ایران همواره با امید همراه بوده است. امید به فردایی روشن، امید به دگرگونی، امید به تغییر آن چه که هست، امید به رویش جوانه‌ها، امید به سربرآوردن گل‌ها و شکوفه‌ها، امید به پایان ظلمت، امید به روشنایی و گرمای دلنشین خورشید، به آغازی دگر، امید به روزی نو، نوروز.

در صفحه ۳

شب‌پرستان و آتشی در دل شب

مراسم چهارشنبه‌سوری که سنتاً و هرساله در شهرها و مناطق مختلف کشور برگزار می‌شود، امسال به‌کلّی رنگ و بوی دیگری داشت. مراسم چهارشنبه‌سوری، یک مراسم سیاسی و اعتراض علیه نظم حاکم بود. توده‌های مردم ناراضی و جوانان مبارز و انقلابی، بار دیگر نشان دادند از این هوشیاری برخوردارند تا از هر موقعیتی برای بیان خواست‌ها و ابراز تنفر خود از رژیم استفاده کنند و علیه نظم موجود به اعتراض برخیزند. وقایع روزهای دوشنبه الی چهارشنبه (۲۴-۲۲ اسفند) یکبار دیگر این واقعیت را آشکار نمود که در شرایط انقلابی چگونه مراسمی چون چهارشنبه‌سوری نیز می‌تواند از محدوده تجمع‌های ساده و همیشگی خود فراتر رود و به اعتراض علیه نظم موجود فراروید.

فراخوان‌های انتشار یافته برای برگزاری تجمع در این روزها و استقبال از آن، چنان گسترده بود که ارتجاع حاکم را به وحشت و تکاپو انداخت. از آنجاکه رژیم جمهوری اسلامی نیز آگاه است بر متن شرایط و جامعه متلاطم کنونی از هر جرعه می‌تواند حریقی بزرگ برپا شود، پس نیروهای سرکوب خود را اعم از موتورسواران و نیروهای مسلح انتظامی و نیز انبوهی از نیروهای اطلاعاتی موسوم به لباس شخصی را به خیابان اعزام کرد. برخی مقامات و سران و فرماندهان نیروهای پلیسی و سرکوب و رسانه‌های حکومتی سخنان تهدیدآمیزی بر زبان راندند و مستقیم و غیرمستقیم مردم را از برگزاری مراسم بر حذر داشتند. پیش از آن نیز نیروی انتظامی با انتشار اطلاعیه‌ای، اعلام کرده

در صفحه ۲

با گرمی داشت ۱۸ مارس برای آزادی زندانیان سیاسی بپا خیزیم

در صفحه ۱۴

تلاش عبث جمهوری اسلامی

پس از ۵ ماه مبارزه قهرمانانه مردم ایران برای سرنگونی نظم ارتجاعی حاکم بر ایران، جمهوری اسلامی برای نجات خود از بحران سیاسی ژرفی که گرفتار آن است، دست باری به‌سوی قدرت‌های خارجی دراز کرده است، تا شاید از این طریق بتواند بر بحران غلبه کند. در طول چند هفته اخیر اخبار و گزارش‌های متعددی از تلاش رژیم برای بهبود مناسبات خود با نهادهای بین‌المللی، دولت‌های اروپائی و آمریکا، دولت‌های منطقه خاورمیانه انتشار یافته است.

در صفحه ۵

یاد جان‌باختگان خیزش انقلابی جاری گرمی باد- فعالان کارگری جنوب

در صفحه ۷

آخرین حرف سال- یک رفیق از داخل

در صفحه ۶

وخامت شرایط پناهجویان ایرانی در ترکیه و خطر استرداد آن‌ها به ایران!

در صفحه ۸

سپیده‌قلیان و عبور از دیوار زندانها!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در صفحه ۱۳

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
در باره منشور اپوزیسیون ضد انقلاب رضا پهلوی و شرکا

در صفحه ۹

اطلاعیه شورای نیروهای چپ و کمونیست
در رابطه با درگذشت نا به هنگام رفیق صالح احمدیان

در صفحه ۸

قلب سرخ صالح احمدیان از تپش باز ایستاد

در صفحه ۴

در آستانه سال نو،
ضحاک زمانه
همچنان به آشامیدن خون
مردم ستمدیده‌ی ایران
مشغول است

در صفحه ۱۰

آتش خشم توده‌ها سراسر
ایران را فرا گرفت

در صفحه ۱۱

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شب‌پرستان و آتشی در دل شب

بود خریدوفروش مواد محترقه ممنوع است و ضمن هشدار به "هنجارشکنان" تهدید نمود با "متخلفان" برخورد خواهد شد. اما مردم و جوانان مبارز و انقلابی تمام این تهدیدات و اوباشان سرکوبگر اعزامی به خیابان را به هیچ گرفتند و با حضور گسترده در خیابان، به رقص و پای‌کوبی پرداختند. در دل ظلمت و تاریکی آتش افروختند و با شور و شوق و شعار علیه رژیم، بار دیگر نشان دادند مبارزه ادامه دارد و "ایستاده‌اند تا پایان!"

در برخی شهرها جوانان مبارز از همان بعدازظهر روز دوشنبه ۲۲ اسفند و در بسیاری شهرهای دیگر از روز سه‌شنبه ۲۳ اسفند و قبل از آنکه هوا کاملاً تاریک شود وارد خیابان‌ها شدند که در روز چهارشنبه نیز ادامه یافت. آتش‌ها برافروختند، بی بیم و هراس علیه رژیم و سران آن شعار دادند، باقی‌مانده روسری‌ها را به درون آتش افکندند، به رقص و پای‌کوبی پرداختند و برای یکسره کردن کار حکومت، عهد و پیمان تجدید کردند.

مراسم چهارشنبه‌سوری در بسیاری از مناطق تهران با اعتراضات خیابانی همراه بود. در اکیاتان، صادقیه و ستارخان، زنان جوان و دختران دانش‌آموز نقش فعالی داشتند و با سردادن شعار مرگ بر دیکتاتور دست به راهپیمایی زدند. پرش از روی آتش در تهران عموماً، با افکندن روسری به درون آتش همراه بود. در منطقه فلاح و برخی مناطق دیگر خیابان‌ها مسدود شد. در شهری، جوانان مبارز نارنجک‌های دستی به‌طرف نیروهای سرکوب و موتورسوار پرتاب کردند. در گیشا، ونک، افسریه، شوش، نازی‌آباد، هفت‌حوض، خیابان طیب، شهرک بوعلی و برخی مناطق دیگر و شهرک‌ها و متروها همه‌جا صدای اعتراض و شعار علیه رژیم شنیده می‌شد. مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر حکومت بچه کش، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور، فقر، فساد گرونی، میریم تا سرنگونی، شعارهای عمومی بود که نه‌فقط در تهران بلکه در اصفهان، رشت، خرم‌آباد، قزوین، مشهد، ملایر، زاهدان، گوهردشت، خرم‌دشت، کرمانشاه و برخی شهرهای دیگر شنیده می‌شد. در رشت مراسم چهارشنبه‌سوری به یک درگیری تمام‌عیار تبدیل شد. نیروهای سرکوب برای برهم زدن تجمع اعتراضی، وحشیانه به مردم یورش بردند اما جمعیت زیادی که در میدان شهرداری گردآمده بودند، با سردادن شعار مرگ بر خامنه‌ای و "توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه" دست به مقاومت زدند. در اغلب شهرهای بزرگ به‌ویژه مراسم اعتراض و مبارزه علیه رژیم و درگیری با سرکوبگران تبدیل شد. در سنج مردم مبارز و جوانان دلیر، نیروهای سرکوب را فراری دادند. در بوکان اعتراضات ضد رژیم به درگیری با سرکوبگران منجر شد. در دیواندره مردم به‌طرف فرمانداری برای تصرف آن راهپیمایی کردند، در جوانرود فرمانداری و در مهاباد پرچم جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند. مراسم چهارشنبه‌سوری امسال علاوه بر این‌ها، با آتش زدن عکس‌ها و پلاکاردها و بنرهای خمینی و

خامنه‌ای همراه بود و شعار "ژن ژیان نازادی"، "کردستان گورستان فاشیستان" در سفز و شهرهای دیگری مانند کامیاران، اشنویه، پیرانشهر و دیگر شهرهای استان طنین‌افکن شد.

رویدادهای چهارشنبه‌سوری امسال و آنچه در روزهای دوشنبه ۲۲ الی چهارشنبه ۲۴ اسفند گذشت، یکبار دیگر با وضوح و روشنی غیرقابل‌انکاری نشان داد که جامعه همچنان در تلاطم است. این رویدادها حاکی از آن است که جامعه‌ی ملامت گرفتار آمده در بن‌بست و تنگنا، همچنان در جستجوی راه‌حل و برون‌رفت از بحران و بن‌بست است. نظام کهنه و پوسیده حاکم، کشتی بزرگ در دریای توفان‌زده‌ای را شبیه است که با هر موج، این‌سو و آن‌سو می‌شود. امواج توفنده، چهارستون کشتی را به لرزه انداخته، در آن، درز و شکاف ایجاد می‌کند، کشتی اما هنوز در برابر امواج مقاومت می‌کند.

تمام شعارها و اشکال مبارزه در مراسم چهارشنبه‌سوری این واقعیت را نشان داد که مبارزه‌ای که شش ماه از آغاز آن گذشته به پایان نرسیده است. چهارشنبه‌سوری بر وجود یک بحران جدی و یک مشکل بزرگ صحنه گذاشت و اثبات کرد تا این مشکل بزرگ حل نشود، جامعه آرام نمی‌گیرد. تضادهای موجود به حادثترین مراحل رسیده‌اند. ظلم و ستم و استثمار از حد تحمل کارگران و زحمتکشان فراتر رفته است. گرانی، بیکاری، فقر و ناتوانی در تأمین هزینه‌های حتی اولیه زندگی، خشم و نارضایتی مردم را به‌مدعا رسانده و جامعه را به مرحله انفجار رسانده است. کارگران، زحمتکشان، معلمان، پرستاران، بیکاران، زنان عموم تهرستان جامعه دیگر نمی‌توانند زندگی خود را اداره کنند و نمی‌خواهند و نمی‌توانند به این وضعیت ادامه دهند. شرایط واقعی و عینی زندگی به ناگزیر آن‌ها را وارد موقعیتی ساخته است که برای بهبود اوضاع خود، باید وارد اعتراض و خیابان شوند. در عین حال هیچ وسیله‌ای قادر به جلوگیری از مادیت یافتن خشم و نارضایتی توده مردم در اشکال زیور و کهنه مبارزه بانظم موجود نیست. جز تغییر بنیادی نظم موجود هیچ راه دیگری برای برون‌رفت از تنگناهای موجود وجود ندارد. ارتجاع حاکم در برابر توده‌های مردم و جوانان مبارز و در برابر تغییر ایستاده است. طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن، برای جلوگیری از تغییرات بنیادی و برای حفظ نظم موجود، در مقابل امواج بلند مبارزه، به قهر و سرکوب و کشتار بی‌رحمانه متوسل شد. بیش از ۵۰۰ نفر را به قتل رساند. ۲۰ هزار تن از جوانان و مردم مبارز را بازداشت کرد و به بند کشید. شمار زیادی را اعدام کرد. به روی جوانان و مخصوصاً دختران جوان آتش گشود و عامدانه سرها و چشم‌ها را نشانه گرفت. اما مشعل مبارزه خاموش نشد و جامعه از تکاپو برای برون‌رفت از بن‌بست بازنايستاد. در بیش از ۱۰۰ شهر و ۲۸ استان با یک‌رشته حملات شیمیایی دست‌کم ۷ هزار دختر دانش‌آموز را مسموم کرد تا انتقام‌جویی خود از دختران جوانی که مقدسات رژیم اسلامی و حجاب وی را زیر سؤال برده بودند کامل کند. در دل دانش‌آموزان و خانواده‌ها رعب و هراس ایجاد کند و بردگی و

انقیاد زنان را از طریق حجاب اسلامی استمرار بخشد.

این اقدامات هولناک و جنایت‌کارانه هرچند در نوع خود کم‌نظیر و کم‌سابقه بود، اما فایده‌ای نبخشید و نمی‌توانست و نمی‌تواند جامعه را از تلاش و تکاپو برای رهایی از وضع موجود بازدارد. ارتجاع حاکم بر این پندار بود که با این اقدامات دهشتناک می‌تواند توده‌های مردم و جوانان معترض را از کف خیابان به گوشه خانه بفرستد و جامعه را آرام کند و به رکود سیاسی بکشانند. ارتجاع اسلامی روی تمام رژیم‌های سرکوبگر و جنایت‌کار تاریخ را سفید کرد اما نتوانسته و نمی‌تواند صدای اعتراض و مبارزه توده‌های مردم به جان آمده را خاموش سازد یا جامعه را "آرام" و رکود سیاسی را بر آن حاکم کند. توده‌های زحمتکش مردم، زنان، جوانان و دختران دانش‌آموز طی مبارزات شجاعانه خود در شش ماه گذشته، سنگ‌هایی را فتح کرده‌اند که بازپس‌گیری آن اگر نگوییم به‌کلی غیرممکن است، اما بسیار مشکل است و به‌سادگی میسر نیست. آب‌رفته به جوی بازمی‌گردد. موج‌شکن‌ها فاقد استحکام و کارایی اند و امواج مبارزه یکی پس از دیگری بر پیکر کشتی فرسوده توفان‌زده می‌کوبد و سرنشینان آن را به هراسی مرکب، انداخته است. اعمال قهر و خشونت علیه مردم، سرکوب و کشتار و زندان، معضل طبقه حاکم را حل نکرده که گاه تأثیر معکوس نیز برجای گذاشته است.

اعتصابات و تجمعات اعتراضی و فزاینده کارگران و زحمتکشان، ادامه مبارزه در اشکال دیگر است که ارتجاع حاکم نمی‌تواند از همان شیوه مقابله با نبردهای خیابانی استفاده کند. کار و نان و آزادی مطالبه عمومی است. اکثریت قریب‌به‌اتفاق کارگران زیرخط فقرند. معلمان شاغل و بازنشسته زیرخط فقرند. بازنشستگان و پرستاران زیرخط فقرند. میلیون‌ها جوان بیکار و جویندگان کار گرسنه و بی‌آینده‌اند. میلیون‌ها خانواده از تأمین مایحتاج ضروری ناتوان‌اند. خشم و نارضایتی تراکم یافته ده‌ها میلیون انسان آماده انفجار است و با هر کبریتی می‌تواند انفجار مهیبی پدید آورد و دودمان ارتجاع حاکم را بسوزاند و خاکستر کند. اعتصابات مکرر کارگری، تجمعات هرروزه بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان مخابرات و بازنشستگان فولاد و سایر مراکز و نهادها حاکی از روحیه اعتراضی در جامعه و تلاش برای برون‌رفت از وضع موجود است. نهم اسفند بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و لشگری تجمعات سراسری مشترکی برپا کردند. ۱۶ اسفند معلمان شاغل و بازنشسته در ۳۶ شهر تجمع سراسری برپا کردند. هیچ‌گونه ظرفیت و یا روزنه‌ای برای مدارا با وضع موجود وجود ندارد. تمامی شواهد حاکی از بدتر شدن وضعیت معیشتی توده‌های مردم است. توفان شدیدی در راه است. جامعه تشنه تغییر و دگرگونی عمیق و انقلابی است. جز با انقلاب، آرامشی بر جامعه حاکم نخواهد شد. تنها انقلاب است که جامعه و کل کارگران و زحمتکشان را از بن‌بست و تنگنا و بدبختی نجات خواهد داد. تا ارتجاع و طبقه حاکم درهم کوبیده نشود جامعه آرام نمی‌گیرد. چنانکه دریای توفانی نیز پس از اوج‌گیری امواج خروشان و درهم کوفتن کشتی پوسیده سرگردان توفان‌زده، آرام خواهد گرفت.

زمستان هر قدر طولانی و سخت، بهار اما فرا خواهد رسید

زندان. رژیم وحشت زده بود، وحشت از خشم و اتحاد توده‌ها. جمهوری اسلامی که هنوز با بیادآوردن قیام آبان ۹۸ لرزه بر اندامش مستولی می‌شد، به گمان آن‌که با تشدید جو امنیتی در جامعه هراس در دل‌ها بیافکند، گشت ارشاد را برای سرکوب زنان و ایجاد ترس در جامعه گسترش داد. صحنه‌های کماندوی از مقاومت زنان و دختران جوان در برابر مزدوران رژیم شکل گرفت تا این‌که بالاخره در شهریور با قتل ژینا توسط مزدوران خون‌آشام جمهوری اسلامی، آتش خشم توده‌ها به وسعت ایران زبانه کشید. نارضایتی که به حد انفجار رسیده بود، فوران کرد. قتل ژینا جرقه‌ای بود به باروت خشم توده‌ها.

این بار اما همچون قیام آبان ۹۸ نبود که با خشونت بی‌حد و با سرعت سرکوب شد. چهارماه طوفانی، چهار ماه مبارزات شجاعانه محرومان و بیش از همه زنان و دختران جوان و نوجوان، تمامی سپهر سیاسی جامعه را فرا گرفت، فضای سیاسی جامعه با سرعتی شگرف دگرگون شد. دیگر همه از سرنگونی جمهوری اسلامی سخن می‌گفتند. دیگر این باور وجود آمده بود که ما می‌توانیم. مبارزه توده‌ها در اشکال متنوع سیاسی و حتا نظامی گسترش یافت. اما مشخص بود که اگر اعتراضات خیابانی به اشکال دیگری از مبارزه همچون اعتصاب سراسری فرارزود، این شکل از اعتراض نمی‌تواند با همین توفندگی به راه خود ادامه دهد. متأسفانه اعتراضات در همان شکل باقی ماند و جنبش موقتاً فروکش کرد. اما تغییری در سپهر سیاسی جامعه ایجاد نشد. فضای انقلابی تا آخرین روزهای سال ادامه یافت، همچون آخرین روزهای زمستان.

در هفته‌ها و روزهای گذشته شاهد اعتراضات و نمایش‌های باشکوه دیگری از مردم ستم‌دیده‌ی ایران بودیم. از اعتراضات گاه روزانه بازنشستگان تا تجمع سراسری معلمان، از اعتصابات کارگری تا تظاهرات خیابانی شبانه. بویژه روزهای ۱۶ اسفند تجمع سراسری معلمان، ۱۷ اسفند روز جهانی زن و ۲۳ اسفند به مناسبت چهارشنبه سوری، محرومان جامعه بار دیگر نشان دادند که این جنبش سر باز ایستادن ندارد. ۲۵ اسفند در آخرین ۵ شنبه سال نیز شاهد حضور گسترده مردم در آرامگاه جان‌فشانگان قهرمان‌شان و سر دادن شعار علیه نظم ظالمانه حاکم بودیم. در تهران به‌رغم حضور گسترده‌ی نیروهای مزدور رژیم در "بهشت‌زها" باز هم مردم توانستند بر آرامگاه عزیزان‌شان حضور یابند.

به‌رغم طوفان خشم توده‌ها در سالی که گذشت، جمهوری اسلامی همچنان بر سیاست‌های گذشته خود ادامه داد و نشان داد که هیچ راحلی برای بحران‌های عدیده اقتصادی و سیاسی جامعه و تضادهای حادی که جامعه درگیر آن‌هاست ندارد. مرغ جمهوری اسلامی یک پا دارد. تنها پاسخ جمهوری اسلامی همان استفاده از ابزار سرکوب بود که در تمام این سال‌ها از آن استفاده کرده است. جمهوری اسلامی با ابزار سرکوب اگرچه توانسته است از سال ۹۶ به بعد و به‌رغم شکل‌گیری بحران انقلابی در جامعه همچنان به حیات ننگین خود ادامه دهد و موقتاً تحول جامعه را که به یک ضرورت آشکار تبدیل شده، عقب بیاورد؛ اما از آن سو شاهدیم که با گذر زمان و

سیاسی. بهاری که کودکان از حق آموزش رایگان و برابر و با کیفیت برخوردار باشند. بهاری که زندگی کردن مساوی رنج کشیدن نباشد، بهاری که زندگی با آسایش و رفاه همراه باشد. بهاری که همه سقوی مطمئن بالای سر خود داشته باشند، بهاری که دردها و رنج‌های مردم ستم‌دیده‌ی ایران پایان پذیرد، بهار آزادی.

سالی که گذشت سال امید بود و خون و خشم. سال مبارزهای سترگ برای تحقق بهار زندگی انسان‌ها، سالی فراموش‌نشده‌ی. شجاعت و از خودگذشتگی مردم، بویژه زنان و جوانان آن‌قدر کم‌نظیر بود که مردم را در سراسر جهان به احترام و اداشت، شجاعتی وصف‌ناپذیر. توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران با فریادی بلند و رسا اعلام کردند که دیگر سیاهی شب را بر نمی‌تابند "قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان". فریاد "مرگ بر خامنهای" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" در سرتاسر کشور طنین‌انداز شد، در هر کوی و برزن، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب. بیش از ۵۰۰ گل سرخی که به خاک افتادند، هزاران نفری که زخمی شدند و برخی از آن‌ها بینایی یک چشم‌شان را از دست دادند و بالاخره ده‌ها هزار نفری که دستگیر شدند، این نشان را با خود دارد که توده‌های ستم‌دیده‌ی ایران نه فقط نمی‌خواهند به شکل سابق زندگی کنند، بلکه آماده‌ی جانفشانی برای سرنگونی رژیم هستند، مجیدرضا رهنورد یکی از آن‌ها بود که تا آخرین لحظه‌های زندگی خود پیش از به دار کشیدن، همچنان شجاع و نترس در برابر جلاخان رژیم ایستاد، محسن شکاری، محمد مهدی کرمی و محمد حسینی نیز همان راه را چون سروی ایستاده رفتند، "بابا حکم‌ها رو دادند، حکم من اعدامه، به مامان چیزی نگو".

**بر سینه‌ات نشست
زخم عمیق و کاری دشمن
اما.....؛**

**ای سرو ایستاده! نیفتادی
این رسم توست که ایستاده بمیری!
در تو ترانه‌های خنجر و خون
در تو پرندگان مهاجر
در تو سرود فتح
اینگونه**

**چشم‌های تو روشن
هرگز نبوده است**

**با خون تو
میدان توپخانه
در خشم خلق
بیدار می
شود.**

سالی که گذشت سال مبارزه بود و خون و خشم. سالی که امید را در دل‌ها بارور ساخت، امید به رهایی، باور به آن‌که ما می‌توانیم، آری! ما می‌توانیم. از همان آغاز سال شاهد مبارزات توفنده‌ی کارگران، معلمان و بازنشستگان بودیم، رژیم اما مانند همیشه تنها پاسخ‌اش تفنگ بود و

سالی

نوروز

**بی‌چلچله بی‌بنفشه می‌آید،
بی‌جنبش سرد برگ نارنج بر آب
بی‌گردش مُرغانه‌ی رنگین بر آینه.**

سالی

نوروز

**بی‌گندم سبز و سفره می‌آید،
بی‌پیغام خموش ماهی از تنگ بلور
بی‌رقص عقیق شعله در مردنگی.**

سالی

نوروز

**بی‌خبر می‌آید
همراه به‌درکوبی مردانی
سنگینی بار سال‌هاشان بر دوش:
تا لاله‌ی سوخته به یاد آرد باز
نام ممنوع‌اش را
و تاقچه‌ی گناه**

دیگر بار

**با احساس کتاب‌های ممنوع
تقدیس شود.**

در معبر قتل عام

**شمع‌های خاطره افروخته خواهد شد.
دروازه‌های بسته
به‌نگاه**

فراز خواهد شد

دستان اشتیاق

**از دریاچه‌ها دراز خواهد شد
لبان فراموشی**

به خنده باز خواهد شد

و بهار

در معبری از غریب

**تا شهر خسته
پیش‌باز خواهد شد.**

سالی

آری

بی‌گاهان

نوروز

چنین

آغاز خواهد شد.

پیام بهار تغییر و دگرگونی‌ست، این که هیچ شبی پایدار نیست، این که هیچ چیزی ثابت و ابدی نیست، این‌که از دل سردترین و تاریکترین روزها و شب‌ها، بهار خواهد رسید و نوروز. این که زمستان هر قدر هم سخت، روزی بی‌شمار غنچه‌های عاشق سربرآورده و هلهله‌کنان پایان زمستان را جشن خواهند گرفت، این که تغییر نه فقط لازم که ضروری‌ست.

بهار از امید جدانشدنی نیست، امید داشتن به فرا رسیدن بهار زندگی انسان‌ها. بهاری که از ظلم و ستم و استثمار و تبعیض اثری نباشد. بهاری که نه چوبه دار باشد و نه شکنجه و نه زندانی

زمستان هر قدر طولانی و سخت، بهار اما فرا خواهد رسید

قلب سرخ صالح احمدیان از
تیش باز ایستاد



با کمال تأسف باخبر شدیم رفیق صالح احمدیان از کادرهای هسته اقلیت پس از چند سال جدال با بیماری سرطان، روز جمعه دهم مارس ۲۰۲۳ در نروژ درگذشت. رفیق صالح فعالیت‌های سیاسی‌اش را در نوجوانی با سازمان دانش آموزان پیشگام سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران آغاز کرد و بعد از انشعاب بزرگ به صفوف اقلیت پیوست. در دوره نوجوانی به دلیل فعالیت‌های سیاسی مجبور به ترک محل زیست خود شد و پس از مدتی به پاکستان گریخت. در پاکستان از فعالین جنبش پناهندگی و از اعضای شورای پناهندگان ایرانی در کراچی بود. در پی گسست‌های درونی سازمان، در خرداد ۱۳۶۶ به هسته اقلیت پیوست.

رفیق صالح مبارزی پیگیر و از نمایندگان هسته اقلیت در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بود. شوخ‌طبعی، سرزندگی و خوش‌رویی رفیق صالح چه در جلسات شورای همکاری و چه در دیگر عرصه‌های مبارزاتی، از او چهره‌ای متین، کوشا و دوست‌داشتنی به یادگار گذاشته است.

سازمان فدائیان (اقلیت)، ضمن تأسف عمیق از مرگ رفیق صالح احمدیان، فقدان این رفیق کمونیست را به رفقای هسته اقلیت و همه دوستداران او تسلیت می‌گوید. یادش گرامی و خاطره تابناکش ماندگار باد

روابط عمومی
سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۵ مارس ۲۰۲۳

به چند میلیون تومان رسیده است. یارانه‌ی ۳۰۰ هزار تومانی حتا نصف قدرت خرید یارانه ۴۵ هزار تومان دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد را هم ندارد. در حالی که تورم رسمی ۵۰ درصد و تورم واقعی بسیار بالاتر از نرخ رسمی آن است، دستمزد کارگران حتا به اندازه نصف تورم رسمی نیز افزایش نیافته است و این یعنی غارت و قبحانه سفره خانواده‌های کارگری.

تمامی چشم‌اندازهای سیاسی و اقتصادی حاکی از تشدید بحران‌هاست، جامعه آستان تحولات است، تغییر به یک ضرورت فوری تبدیل شده است، همان‌طور که زمستان رفتنی‌ست. جمهوری اسلامی با سرکوب وحشیانه در سال‌های اخیر تنها این تحول را به تاخیر انداخته است، اما بدون هیچ‌گونه تردیدی نمی‌تواند مانع این تحول تاریخی شود که ضرورت‌اش بیش از هر زمان دیگر آشکار شده است. سال جاری می‌تواند سالی سرنوشت‌ساز برای توده‌های محروم جامعه، برای کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه باشد. تنها تحولی انقلابی، تحولی که نظم کهنه را از ریشه براندازد می‌تواند توده‌ها را به خواست‌های برحق خود برساند و پیروزی را به ارمغان بیاورد. همان‌طور که در آخرین ۵ شنبه سال در آرامگاه جان‌فشاندگان مه‌باد شعار ژن، ژیان، نازادی، حکومت شورایی سر داده شد، واقعیت این است که برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان تنها راه برای تحول انقلابی در ایران است.

نرم نرمک می‌رسد اینک بهار

خوش به حال روزگار

خوش به حال چشمه‌ها و دشت‌ها

خوش به حال دانه‌ها و سبزه‌ها

خوش به حال غنچه‌های نیمه باز

خوش به حال دختر میخک که می‌خندد به ناز

خوش به حال جام لبریز از شراب

خوش به حال آفتاب

ای دل من گرچه در این روزگار

جامه رنگین نمی‌پوشی به کام

باده رنگین نمی‌بینی به جام

نقل و سبزه در میان سفره نیست

جامت از آن می که می‌باید تهی‌ست

ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم

ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب

ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار

گر نکوبی شیشه غم را به سنگ

هفت رنگش می‌شود هفتاد رنگ

اشعار متن به ترتیب از احمد شاملو، خسرو گل‌سرخ‌ی و فریدون مشیری

تعمیق بحران انقلابی و نیز دیگر بحران‌هایی که جامعه از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با آن درگیر است، تأثیر ابرار سرکوب جمهوری اسلامی نیز رو به کاهش است. این امر امروز به هر کسی که کمترین شناختی از جامعه ایران داشته باشد روشن شده است که جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند مانند گذشته به حیات خود ادامه دهد. این را هم در فضای سیاسی جامعه شاهد هستیم و هم در گسترش وحشتناک دیگر بحران‌های جامعه از جمله بحران اقتصادی رکود - تورمی، بحرانی که در اثر سیاست‌های طبقه حاکم سرمایه‌دار تمام بار آن بر دوش کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه افتاده است. در اوج بحران اقتصادی شاهدیم که هر روز توده‌های مردم فقیرتر می‌شوند اما در آن سو بر ثروت ثروتمندان با سرعتی عجیب افزوده می‌گردد.

در واقع سیاست‌های اقتصادی طبقه حاکم عامل اصلی این شتاب باورنکردنی است. کاهش سوبسیدها که اتفاقاً برای محرومان جامعه بسیار مهم بود، سیاست‌های تورم‌زای، کاهش واقعی دستمزد و حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه، کاهش خدمات آموزشی و درمانی و انداختن بار هزینه‌های آن‌ها بر دوش مردم، افزایش بهای خدمات و کالاهایی که در اختیار دولت هستند از جمله گاز و برق و کاهش ارزش ریال از جمله سیاست‌هایی هستند که به گسترش فقر منجر شده و بی‌تفاوتی حاکمیت و سرمایه‌داران را نسبت به زندگی، معیشت و اساساً حق حیات کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه به تصویر می‌کشد. شاید بد نباشد تنها به یک نمونه از این سیاست‌ها که نتیجه‌ی آن جز فقر بیشتر مردم نبوده است اشاره کنیم. نتیجه‌ی مستقیم و اصلی کاهش ارزش ریال و افزایش بهای ارزهای خارجی در برابر ریال برای محرومان جامعه افزایش شدید بهای کالاهاست. نکته مهم دیگر این است که وقتی بهای دلار از ۶۰ هزار تومان به ۴۶ هزار تومان کاهش یافت، بهای کالاها هم‌بهای بهای دلار کاهش پیدا نکردند. جمهوری اسلامی البته دلارهای خود را بالای ۵۰ هزار تومان به مردم فروخت و از این بابت مبالغ کلانی برای تامین هزینه‌های خود به جیب زد. در روزهای اخیر اما بهای دلار نسبت به ریال بار دیگر افزایشی شده است. نتیجه این افزایش نیز چیزی نخواهد بود جز بالا رفتن دوباره بهای کالاها و کاهش باز هم بیشتر قدرت خرید مزدبگیران و حقوق‌بگیران. بنابراین قربانی اصلی کاهش ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی و تنش‌های ایجاد شده در این موضوع محرومان جامعه هستند، در حالی که جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران از بالا و پایین رفتن بهای دلار، نفع می‌برند.

کاهش ارزش ریال به‌حدی است که یارانه ۴۵ هزار تومانی دیگر اصلاً ارزشی ندارد، پول ده قرص نان سنگگ حداقل ۵۰ هزار تومان است. تنها قبض گاز خانه‌ها بویژه در مناطق سردسیر

زنده باد سوسیالیسم

تلاش عبث جمهوری اسلامی

نخستین تلاش در این جهت، عقب‌نشینی در برابر ژانسن بر سر نزاع هسته‌ای بود. جمهوری اسلامی که تا پیش از جنبش انقلابی اخیر مردم ایران، همواره تلاش کرده بود غنی‌سازی را وسیله‌ای برای باج‌خواهی و تهدیدات بین‌المللی قرار دهد، برای نشان دادن چراغ سبز به اروپا و آمریکا و پذیرش خواست‌های آن‌ها، در برابر ژانسن عقب‌نشینی غیرمنتظره‌ای کرد و با دعوت از مدیرکل ژانسن برای سفر به ایران، خواسته‌های فوری ژانسن را بی‌فیدوشرط پذیرفت.

این عقب‌نشینی حتی برای مدیرکل ژانسن بین‌المللی انرژی اتمی چنان تعجب‌آور بود که پس از دیدار خود از ایران در سیزدهم اسفندماه، در گفت‌وگویی با شبکه خبری الجزیره سفرش به ایران را «بسیار مهم» ارزیابی کرد و گفت که این دیدار باعث تفاهم بر سر «مسائل و اصول اساسی» شده است. «ما در بالاترین سطوح تعهداتی از ایران به دست آوردیم و این مسئله با تمام دفعات قبیل تفاوت دارد.» اما این توافقات تا جایی که علنی شده چه بوده است؟

در خصوص مسائل پادمانی باقی‌مانده مربوط به سه مکان، جمهوری اسلامی آمادگی خود را برای ادامه همکاری و ارائه اطلاعات و دسترسی بیشتر به‌منظور رسیدگی به مسائل پادمانی باقی‌مانده اعلام کرد. ژانسن امکان یافت فعالیت‌های راستی‌آزمایی و نظارت بیشتری را کسب کند. حجم بازرسی‌ها در فردو ۵۰ درصد افزایش یافت. مدیرکل ژانسن همچنین گفت: «چیزی که مهم بوده این است که ما بر روی بازرسی‌ها، دسترسی به افراد و دسترسی به مواد به‌خصوص توافق کردیم که این‌یک تغییر است».

اغلب مواردی که به آن‌ها اشاره شد، پیش‌ازین موردپذیرش جمهوری اسلامی قرار نمی‌گرفت، یا در اجرا با مانع روبه‌رو می‌شد. اکنون اما رژیم حاکم بر ایران، چنان از سرنوشت خود هراسناک شده است که تقریباً تمام خواسته‌های ژانسن را پذیرفت و به اجرای آن‌ها متعهد شد. هم‌زمان اخباری از توافقات پشت پرده در مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا انتشار یافت. جمهوری اسلامی آمادگی خود را برای مبادله زندانیان و آزادی زندانیان دو تابعیتی آمریکایی اعلام کرد. دولت آمریکا نیز دستور آزادی ۵۰۰ میلیون دلار از پول‌های بلوکه‌شده فروش گاز و برق در عراق را صادر کرد. اخباری از آزادی بیشتر دلارهای بلوکه شده، پس از مبادله زندانیان انتشار یافته است.

پی آمد این تحولات، گفتگوی تلفنی وزیر خارجه جمهوری اسلامی با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بود. از محتوای این مذاکرات گزارش دقیقی انتشار نیافت. هر یک از طرفین حرف خود را زد. وزارت خارجه رژیم در بیانیه‌ای اعلام کرد: طرفین در خصوص لغو تحریم‌ها، وضعیت اوکراین و همکاری ژانسن بین‌المللی انرژی اتمی با جمهوری اسلامی ایران رایزنی کردند.

اما مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز

۲۴ اسفند با انتشار توییتی اعلام کرد که به حسین امیر عبداللہیان، وزیر خارجه ایران گفته است اتحادیه اروپا خواستار همکاری جدی ایران با ژانسن بین‌المللی انرژی اتمی و اجرای فوری توافق اخیر جمهوری اسلامی با این نهاد بین‌المللی است. ما خواستار احترام جمهوری اسلامی به حقوق بشر، بازداشت شهروندان اروپایی و توقف حمایت نظامی ایران از روسیه هستیم. پوشیده نیست که هر دو طرف اروپایی و ایرانی به یکدیگر نیاز دارند و می‌خواهند مسائل مورد اختلاف سریع‌تر حل شود. اما اتحادیه اروپا که از موضع ضعیف جمهوری اسلامی آگاه است، سعی دارد تا جایی که ممکن است امتیاز بگیرد، آن را بر سر نزاع هسته‌ای به عقب‌نشینی وادارد، همکاری نظامی جمهوری اسلامی با روسیه را متوقف سازد و زندانیان اروپایی نیز آزاد شوند. احترام به حقوق بشر البته یک ادعای تبلیغاتی شناخته‌شده اروپایی‌هاست. سال‌هاست که جمهوری اسلامی در ایران نقض حقوق بشر که جای خود دارد، جنایات وحشتناکی مرتکب شده است، حتی مخالفان سیاسی خود را در کشورهای اروپایی ترور کرد، یا در کشورهای دیگر ربود و اعدام کرد، اما اتحادیه اروپا کمترین واکنشی نداشت. در واقع آنچه اتحادیه اروپا خواستار آن است، حل سریع‌تر اختلافات هسته‌ای، عدم دخالت جمهوری اسلامی در نزاع غرب و روسیه در جنگ اوکراین و برداشته شدن موانع و محدودیت‌ها از سر راه صدور سرمایه و کالا به ایران است. اتحادیه اروپا می‌بیند که چین بازار ایران را به تصرف خود درآورده و انحصارات اروپایی هرسال میلیاردها دلار سود از این بازار از دست‌داده‌اند. بنابراین طبیعی است که خواهان حل سریع‌تر اختلافات باشد. جمهوری اسلامی هم آنچه فوراً به آن نیاز دارد، فروش بدون محدودیت نفت و گاز و کسب درآمدهای حاصل از آن در شرایطی است که با وخیم‌ترین بحران مالی روبه‌روست.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی تلاش‌هایی برای بهبود مناسبات با دولت‌های عربی منطقه و در رأس آن‌ها عربستان سعودی را در دستور کار قرار داده است.

جمهوری اسلامی که سال‌ها بر سر مناطق نفوذ در خاورمیانه عربی با عربستان در جدال و کشمکش بود، اکنون ناگزیر شده است که دست‌های خود را برای توافق و سازش با عربستان بالا برد و چین را واسطه این معامله و زد و بند و سازش قرار داده است.

روز دوشنبه ۱۵ اسفندماه، مذاکرات علی شمخانی به نمایندگی از سوی خامنه‌ای و وزیر مشاور امنیت ملی عربستان سعودی با حضور نماینده دولت چین آغاز گردید و سرانجام با یکدیگر بر سر مسائل مورد اختلاف به توافق رسیدند و روز ۱۹ اسفند آن را رسماً اعلام کردند. در بیانیه پایانی، دو کشور بر احترام به حاکمیت و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر با پایبندی به اجرای موافقت‌نامه‌های همکاری امنیتی و اقتصادی پیشین، تأکید نموده و توافق کردند ظرف حداکثر دو ماه، روابط دیپلماتیک خود را از سر گرفته و سفارت‌خانه‌ها و

نمایندگی‌ها را بازگشایی کنند.

مفاد توافق‌نامه‌ها و زد و بندهای پشت پرده آن‌ها مخفی ماند، اما آنچه که به بیرون درز پیدا کرده، توقف حملات تبلیغاتی دو طرف علیه یکدیگر و توافق بر سر توقف ارسال سلاح از سوی جمهوری اسلامی به حوثی‌های یمن است. اما احتمالاً در این مذاکرات پای مسائل مهم‌تری در مورد سرنوشت یمن و دیگر اختلافات این دو دولت در خاورمیانه از جمله لبنان و عراق نیز در میان بوده است.

تا همین‌جا روشن است که بازنده اصلی این معامله، جمهوری اسلامی و برندگان آن نیز در وهله نخست چین است که نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را در این دو کشور و در کل منطقه خاورمیانه بسط داد و بعد هم عربستان سعودی که عجلتاً بر سر یمن جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی واداشته است.

جمهوری اسلامی به مدت چندین سال، میلیاردها دلار حاصل دسترنج کارگران ایران را صرف هزینه‌های یک جنگ ویرانگر در یمن و حمایت از گروه اسلام‌گرای انصار الله کرد، اکنون اما ناگزیر شده بساط خود را از یمن جمع کند و به نحوی یمن را منطقه نفوذ عربستان بشناسد.

پس از توافق با عربستان، شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی به همراه رئیس‌کل بانک مرکزی، رئیس سازمان اطلاعات خارجی وزارت اطلاعات و دستیار وزیر امور خارجه در امور کشورهای حوزه خلیج‌فارس به ابوظبی پایتخت امارات متحده عربی نیز سفر کرد و با مقامات این کشور مذاکره و توافقاتی داشت که مفاد آن‌ها نیز مخفی مانده است.

هدف این تلاش‌های رژیم و عقب‌نشینی‌های آن روشن است. جمهوری اسلامی در بن‌بست کامل گرفتار است. بحران‌های متعدد تمام ارکان رژیم را فراگرفته است. بحران اقتصادی چنان ژرف است که هیچ راهی برای بهبود آن در چشم‌انداز نیست. خزانه دولت تهی است و بحران مالی دولت چنان ابعادی به خود گرفته است که به فروش ته‌مانده دارایی‌های عمومی، حتی ساختمان‌های دولتی و مراکز عمومی روی آورده‌است. انتشار پی‌درپی پول کاغذی بی‌ارزش، قیمت کالاها را به چندین برابر افزایش و دستمزد و حقوق کارگران و زحمتکشان را به مقیاس بی‌سابقه‌ای کاهش داده است. نارضایتی توده‌ای از وضع موجود به نهایت رسیده و مردم ایران به پا خاسته‌اند که رژیم را سرنگون کنند. جمهوری اسلامی تنها راه نجات خود را زد و بند با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای یافته است تا شاید با حمایت آن‌ها بتواند خود را از بحران‌های عمیق و سرنگونی نجات دهد. اما بحران کنونی جامعه ایران عمیق‌تر از آن است که حمایت جهانی بتواند جمهوری اسلامی را نجات دهد. مگر سال‌های متمادی تمام قدرت‌های جهان بمرغم اختلافاتی که با جمهوری اسلامی داشته‌اند از موجودیت آن دفاع نکرده‌اند؟ فشاری هم که در چند ماه گذشته به آن وارد آوردند، صرفاً برای به عقب‌نشینی واداشتن آن و کسب امتیازات بیشتر بوده است. اکنون نیز نهایت کاری که می‌توانند انجام دهند، این است که تدریجاً پول‌های بلوکه‌شده نفت و گاز را به رژیم بدهند که صرف هزینه‌های دستگاه دولتی و

تلاش عبث جمهوری اسلامی

سرکوب کند. اما بحران‌ها به‌جای خود باقی خواهد ماند.

بزرگترین بحران موجود در ایران که تمام تلاش رژیم و متحدان آن را نقش بر آب ساخته و خواهد ساخت، یک بحران سیاسی انقلابی است. این بحران را نه با پول می‌توان حل کرد و نه با زور. بحران سیاسی، راهحل سیاسی می‌خواهد و این راهحل نیز نیاز به یک تغییر دارد. این تغییر هم تا جایی که به طبقه حاکم برمی‌گردد، تغییر در شیوه حکومت کردن است. جمهوری اسلامی اما موجودیتش با حکومت کردن به روال چهار دهه گذشته گم‌خورده است.

جمهوری اسلامی رژیمی است که برای حفظ موجودیت خود به دیکتاتوری عریان متکی است، تا جایی که به سرکوب و کشتار مردم و حتی کودکان هم بسنده نکرده بلکه، مدارس دخترانه را نیز بمباران شیمیایی می‌کند. این‌یک رژیم به‌تمام‌معنا جنایتکار است و کمترین تغییر و عقب‌نشینی را در شیوه حکمرانی، سیاست داخلی و دشمنی با مردم پذیرا نیست. بنابراین روشن است تا جایی که به داخل کشور مربوط می‌شود، در سیاست‌های داخلی جمهوری اسلامی هیچ تغییری رخ نخواهد داد. سیاست خارجی اما جدا از سیاست داخلی نیست. بسط و ادامه همین سیاست در خارج از کشور و در مناسبات با دولت‌های دیگر است. بنابراین نمی‌تواند در سیاست خارجی سیاستی متمایز از سیاست داخلی داشته باشد. در واقع آنچه اکنون تعقیب می‌کند، تغییری استراتژیک در سیاست خارجی نیست، بلکه تاکتیک ناشی از شرایط اضطرار برای نجات از بحران است. دولت دینی اسلام‌گرا همان‌گونه که در داخل به‌جز خود و پیروانش با مردم ایران به‌عنوان دشمن برخورد می‌کند، در سیاست خارجی هم همین نگرش را دارد، ولو این که با دولت‌های دیگر مناسبات رسمی دیپلماتیک داشته باشد. دولت مذهبی در ذات خود دولتی تجاوزکار و توسعه‌طلب است. ولی فقیه در راس این نظام خود را رهبر مسلمین جهان می‌داند و می‌خواهد مسلمانان را به تبعیت خود درآورد. می‌خواهد پیروان خود را در کشورهای دیگر متشکل و مسلح کند. این دولت، رسالت خود را اشاعه خرافات اسلامی شیعه می‌داند و می‌خواهد آن را در همه‌جا تبلیغ کند. لذا تشدید اختلاف و تضاد با دولت‌های دیگر ناگزیر است.

بنابراین، عقب‌نشینی‌های جمهوری اسلامی در سیاست خارجی از سر اجبار است و موقتی. امروز بر سر نزاع هسته‌ای امتیاز می‌دهد، فردا اما مخفیانه کار خود را بر خلاف آن پیش می‌برد. امروز از طریق فرستادن نماینده ویژه شخص خامنه‌ای برای مذاکره و توافق به دولت‌های منطقه تعهد می‌دهد که در امور داخلی آن‌ها دخالت نخواهد کرد و سلاح برای اسلام‌گراها ارسال نمی‌کند، فردا سپاه پاسداران و سپاه قدس کار خود را به نیابت از جمهوری اسلامی در بسیج و سازمان‌دهی اسلام‌گرایان شیعه در کشورهای دیگر، ادامه خواهد داد. امروز متعهد می‌شود که گروهان‌ها را آزاد کند، فردا گروهان‌های جدیدی خواهد گرفت. خلاصه کلام، به رغم تمام تلاش‌های جمهوری اسلامی،

آخرین حرف سال- یک رفیق از داخل

در تقویم سال نو بنویسید در این دیار، شوق بهار نیست. اینجا حکایت تلخ گرسنگی است. سال نو با فقر مطلق مردم قشنگ نیست. در هرکجای جهان که بنگرید، با همه ظالمانه بودن سیستم سرمایه‌داری ولی در بسیاری از کشورها هرچند ناچیز و ناکافی اما اندکی آب هم از دست حاکمان برای مردمشان می‌چکد. در ایران برعکس است. دولت و حاکمان از ملت طلبکارند. مردم باید خدمتگزار دولت باشند و کمک کنند تا مخارج نهادهای دولتی و حاکمان فربه و شکم سیر تأمین شود. مردم باید کار کنند و کار کنند تا آب در دل حاکمان سرمایه‌تکان نخورد. مانند مار بر روی ثروت کشور نشسته‌اند و خون مردم را می‌مکنند. درحالی‌که نان خشک‌وخالی هم در سفره کارگران و زحمتکش‌ها باقی نمانده است، عید برای مردم معنی ندارد. سفره مردم همانند دلشان فقط درد دارد. آیا هرکجا که برویم آسمان همین رنگ است؟ خیر این‌گونه نیست. هوای آسمان بالای شهر آبی و پاک است. آفتابش روشن است. دختران مدارس منطقه یک، مسموم نمی‌شوند. سفره‌هایشان چرب و رنگین است. صبح که سر از بالشت پرفرو برمی‌دارند، زمین و آسمان هوایشان رادارند. اما آسمان بخش بزرگ شهر، هوایش تیره و دودآلود است. خورشید از پس غبار بر زمین می‌تابد. هوایش آلوده است. دختران مدارس مسموم و کشته می‌شوند. باید در تقویم‌های جدید نوشت آسمان همه‌جا، یک‌رنگ نیست. آسمان هم مانند زمین عدالت رانمی‌شناسد.

برای زحمتکش‌ها عید نیست. بهار نیست. بال‌های چلچله در طوفان استبداد گم‌خورده است. آزاد نیست. نرگس، از دیدن چشمان تیرخورده دختران و جوانان، چشم مست خود را بر بهار بسته است. مگر نه این‌که شرط لازم بهار نو شدن است؟ در زندگی مردم زحمتکش بینوا همه‌چیز بوی کهنگی و نا گرفته است. از دست‌های فرورفته در سطل زباله‌ها بوی نکبت سرمایه‌داری بیرون می‌زند. از جیب‌های خالی کارگران بوی آزاردهنده فقر و ناداری به مشام می‌رسد. بوی بهار تنها به بخش کوچکی از بالای شهر می‌رسد. در جوی‌های متعفن پایین‌شهر بوی بهار نمی‌آید. سال از پی سال می‌رود اما هراندازه بهار دست دراز می‌کند سنبُل و سوسن را واسطه می‌کند مردم دستشان از رسیدن به سال نو و عید کوتاه است. بنفشه سوگوار لاله‌ها است. لاله از سنگینی خون زنان و مردان و کودکان شهر مغموم است و سرب‌زیر. خانه‌تکانی روزهای پایانی سال، جایش را به شستشوی مزار جوانان مبارز داده است. خنده بر لبان خشک و سرد مادران ماسیده است. شکوفه چگونه برقصد وقتی ترانه دریند است؟ چه چیز در زندگی مردم تحت ستم حاکمیت جنایتکار می‌تواند زیبا باشد؟ هرروزه در زندگی مردم زلزله رخ می‌دهد. برای هر خیر اعدام، کشته شدن زیر شکنجه‌های وحشیانه، مسمومیت کودکان دانش‌آموز، دستگیری‌های بی‌وقفه جوانان مبارز و آزادیخواه، زمین زیر پای مردم می‌لرزد. هرچند ظلم و بیداد و فقر بسیار فراتر از توان تحمل کارگران و زحمتکش‌ها است اما زیر ضربه‌های سنگین حاکمان دزد و جنایتکار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مردم به شناخت کامل‌تری از ریشه‌های بدبختی و فقرشان پی برده‌اند. به‌درستی دریافته‌اند این ظلم و ستم از کجا آب می‌خورد. از این بارزتر، آگاهی مردم نسبت به ماهیت ارتجاعی شاه و شیخ است. به‌درستی هردو را در ویرانی زندگی‌شان برابر می‌دانند. مادر همه‌ی بدبختی‌هایشان را حاکمیت سرمایه‌داران می‌دانند که هرآن چه ستم و تبعیض فقر و بی‌کاری است از آن زاده می‌شود. اینک در مبارزه طبقاتی که در پیش‌گرفته‌اند می‌خواهند از قید بندگی و استثمار سرمایه‌داری رها شوند. خواهان حکومت شورایی‌اند. این قدرت اراده مردم در مبارزه و شعار بسیار گویای مرگ بر ستمگر چه شاه با شه چه رهبر، جایگاه و موقعیت سلطنت‌طلبان و فرصت‌طلبان را عیان کرده است. دیگر نمی‌توانند قدرت به‌دست‌آمده از اتحاد مردم را بگیرند. کارگران و مردم زحمتکش، روزهای سیاه و سخت در کنار هم مانده‌اند. هر شب در خیابان دست در دست هم مبارزه کرده‌اند. باهم و برای هم گریسته‌اند. حال بدشان را باهم تقسیم کرده‌اند. متحد و یک‌صدا می‌گویند نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم. آری امسال هم عید در سفره‌های خالی کارگران و زحمتکش‌ها جایی برای حضور پیدا نکرده است. ستم طبقاتی، سرکوب، سم، سینه‌های تیرخورده، سرهای بالای دار، سرخی خون جوانان، سوز و آه مادران داغدار، هفت‌سین مردم را تشکیل می‌دهد.

آخرین رهگذر سال پای خسته‌اش را روی زمین می‌کشد. اتوبوس دور می‌شود. عطر موهایش را، باران در هوا پخش می‌کند. زیرشیروانی دانه‌های جوان‌زده است. سر سبزش را به‌سختی از بین آسفالت و زمین سخت بیرون می‌کشد. مبارزه‌ای برای زنده ماندن. زیرشیروانی می‌ایستد. باران با آهنگ یک‌نواخت بر شاخ و برگ درختان می‌خورد. بهار، امید زندگی تازه را نوید می‌دهد. اولین خیابانی که وارد می‌شود، اولین دیواری که می‌بیند آخرین حرف سال را می‌نویسد. نقطه پایان زندگی، مرگ نیست سکوت است.

به امید فرارسیدن عید کارگران و زحمتکش‌ها

کارنان آزادی حکومت شورایی

اسفند ۱۴۰۱

داشت. این تلاش‌ها عبث از کار درخواهد آمد. تشدید مبارزات و سرنگونی جمهوری اسلامی نیاز مبرم و جبری جامعه ایران برای حل بحران سیاسی است و گریزی از آن نیست. این اتفاق قطعی است و رخ خواهد داد.

همان‌گونه که در داخل کشور تضادها و بحران‌ها لاینحل می‌مانند، در خارج هم تضادها و بحران‌ها به‌جای خود باقی خواهند ماند. جمهوری اسلامی راهی برای خروج از بحران سیاسی کنونی حتی با کمک و حمایت دولت‌های خارجی نخواهد

یاد جانباختگان خیزش انقلابی جاری گرامی باد

رفقای سازمان فدائیان اقلیت، سال نو بر شما و همه کارگران و زحمتکشان، اقشار اجتماعی، زنان، مردان، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان مبارک باد. ما، سال نو را به کوری چشم رژیم جمهوری اسلامی به کلیه آحاد جامعه، به فعالین عرصه مبارزه برابری خواهی، به کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها، به دمکرات انقلابی‌ها مبارک باد می‌گوییم.

رفقا! فقر، گرانی، ناتوانی در تأمین نیازهای معیشتی حداقلی روزانه، خشم و نفرت عمومی توده‌ها را برانگیخته، ما در حالی با سال نو روبرو می‌شویم که خانواده‌های زیادی در غم از دست دادن یکی از اعضای زن و مرد جوان خانواده خود هستند که رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی، در نهایت تبهکاری، جان آنان را گرفت. بسیاری از افراد خانواده‌ها نقص عضو و شکنجه شدند، خانواده‌های زیادی هستند که یکی از اعضای آنان در زندان است. تا زمانی که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی همچنان در قدرت باشد، ما رنگ خوش زندگی و شادی را نخواهیم دید. عید ما زمانی است که از زیر سلطه حاکمیت سرمایه‌داری رهایی پیدا کنیم. ما تا برپائی جامعه سوسیالیستی، در جبهه کار و زحمت، همراه طبقه کارگر، اقشار زحمتکش، توده‌های ستمدیده و استثمارشده، دوش‌به‌دوش شما و همه پیکارگران انقلابی کمونیست برای برچیدن سلطه و مناسبات ضد انسانی نظام سرمایه‌داری خواهیم جنگید.

سالی را که پشت سر گذاشتیم، سالی سرشار از پراتیک اجتماعی و تحرک در مبارزه بود. سالی که آشکارا جامعه ما و توده‌های ستمدیده در یک موقعیت انقلابی نیمی از سال را در خیابان و در عرصه نبرد طبقاتی در جنگ با رژیم بودند. سالی که افق‌های روشنی از مبارزه و چشم‌انداز سرنگونی پدیدار گشت. سالی که چشم‌انداز مبارزات توده‌ای فراتر از نفی ساختار موجود پیش رفت و توده‌ها بارو در رویی با رژیم در جنگ داخلی و نبرد خیابانی برای رسیدن به یک جامعه دمکراتیک، برابر و آزاد پیش رفتند. منتها واقعیت‌های اجتماعی چیزهای دیگری نیز به ما می‌گویند، اگرچه در سال گذشته، مبارزات توده‌ای چشم‌انداز یک جامعه بهتری بر روی ما گشود، اما، با افت مبارزه روبرو شدیم که ناشی از شدت عمل رژیم از یکطرف، و عدم گسترش خیزش و عمومی نشدن آن از طرف دیگر بود. توده‌های زن و مرد جوانی که کمتر پوشش تشکیلاتی داشتند و بیشتر متکی به اراده و داده‌های فردی خودشان بودند که در بستر زندگی تلخ و رنج بار در جمهوری اسلامی کسب کرده بودند، به مبارزه، مقارمت و پایداری پرداختند. اما حقیقتی که در مسیر مبارزه با آن روبرو شدیم، دگرگونی و تغییر انقلابی جامعه، چیزهای دیگری هم لازم داشت که وجود نداشت. تشکیلات! عزم و اراده‌ای عمومی مبتنی بر یک سازمان‌دهی وسیع سیاسی تشکیلاتی، چیزی که جنبش از آن محروم بود. جامعه پیش از آن بایستی خود را به لحاظ ذهنی مهیا کند و به ابزارهای مبارزاتی خود تجهیز شود. خیزش اگرچه به‌نوبه خود بسیار تحسین‌آمیز و شگفتی‌آفرین بود، اما توانست گسترش وسیع توده‌ای پیدا کند و به یک حرکت عمومی گسترده تبدیل شود. گسست، پارگی میان بخش‌های اجتماعی توده‌های مردم در نیویستن به جنبش که این خود باز برمی‌گردد به نارسائی در کار تشکیلاتی آموزش توده‌ای و فقدان تشکل‌های توده‌ای که یکی از دلایل عدم موفقیت جنبش انقلابی بود. جنبش‌های اجتماعی، بخش دانشجویی علیرغم تعطیلی دوساله‌ای که از رهگذر کرونا در پشت سر داشت و با توجه به همه محدودیت‌های سیاسی که متحمل می‌شود، در خیزش انقلابی بسیار خوب درخشید، همراه با جنبش زنان، تحسین دوست و دشمن را برانگیختند. هسته‌ها و کمیته‌های انقلابی فعال محلات شهرها در کنار جنبش زنان، با محوریت جنبش دانشجویی، کلون اصلی و موتور خیزش بودند. طبقه کارگر با دخالت خود و با حربه اعتصاب که می‌توانست شکل همبستگی عمومی و اطمینان بخشی به خیزش بدهد، به چند علت نتوانست به رسالت تاریخی خود عمل کند. دستگاه سرکوب اطلاعات و امنیت رژیم به‌خوبی از نقش طبقه کارگر در دخالت‌گیری و ورود به جنبش اطلاع داشت. رژیم در سال ۵۷ به پشتوانه اعتصاب سراسری کارگران به قدرت رسید. مهار طبقه کارگر در دوره هاشمی رفسنجانی و گره زدن اقتصاد به سرمایه‌داری جهانی نو لیبیرال، بخشی از سیاست‌های کلان رژیم در همه دوره‌ها بوده و با جدیت به مرحله اجرا گذاشته شده است. رژیم در نگرانی حرکت کارگران را رصد و در مهار داشت. خیزش انقلابی چشم‌انتظار ورود طبقه کارگر به مبارزه بود. کارگران صنایع گاز، نفت و پتروشیمی، کارگران پروژه‌ای که در یک وضعیت بسیار بد زیست-معیشتی و درآمد اقتصادی هستند، به‌مثابه بخشی از طبقه کارگر در یکی دو نوبت تلاش داشتند آهنگ اعتصاب و دخالت‌گیری انقلابی کنند اما رژیم که بشدت حرکات آنان را رصد و پیگیری می‌کرد، به‌فرویت به سرکوب کارگران پرداخت.

خیزش اجتماعی بشدت نیازمند مشارکت اجتماعی توده‌هایی بود که با نگرانی جنبش را دنبال می‌کردند اما تردید داشتند وارد مبارزه شوند. انتظار توده‌های عاصی معترض در پیوستن کارگران به خیزش در خیابان‌ها طولانی شد و در توازن قوای نابرابر حرکت توده‌های انقلابی رو به کاستی رفت. قلع‌وقوع کارگران پروژه‌ای، دستگیری و حبس آنان شبیه ضربه‌ای بود که به پشت پا فرود آید. حرکت کارگران دچار تزلزل و ناپایداری شد. کارگران دیگر بخش‌ها به آنان ملحق نشدند. سایه سرکوبی که سال‌ها بر ذهن توده‌ها سنگینی می‌کرد همراه با عامل ذهنی سیاسی و نبود تشکل‌های توده‌ای سبب شد تا توده‌ها در ابعاد وسیع و عمومی به مبارزه وارد نشوند. علیرغم اینکه شرایط اجتماعی تا هم‌اینک و تا حدود زیادی به نفع توده‌ها به‌هم‌خورده‌ها، اما این وضعیت نمی‌تواند همین‌طور پایدار باقی بماند. خیزش از شتاب افتاده اما از نفس نیفتاده است. نشانه خشم و نفرت از رژیم در رفتار اعتراضی توده‌ها همچنان رژیم را با قوت تهدید می‌کند. عواملی که همچنان و تا زمانی که در عرصه پیکار سیاسی طبقاتی از طرف کارگران آگاه، احزاب و سازمان‌های کارگری پاسخ عملی به آنان داده نشود، جنبش انقلابی همچنان ناتوان از تغییر وضع موجود و یک تحول انقلابی خواهد بود. رژیم با فشار جنبش توده‌ای در بعضی مواضع ناچار به عقب‌نشینی شده است. نیروهای انقلابی باید با حضور توانای خود این مواضع را به تسخیر خود در بیاورند و فرصت به رژیم برای پس‌گیری این مواضع را ندهند. در شرایط پیش‌آمده، با توجه به تجربه خیزش در این چند ماه از کار سازمان‌دهی و کار تشکیلاتی توده‌ای، ایجاد هسته‌های فعال سیاسی در محیط‌های کار و زندگی کارگران و زحمتکشان توده‌های محلات غفلت نشود. جریان‌های سیاسی قطعاً به اهمیت کمیته‌های اعتصاب، هسته‌ها و کمیته‌های مخفی در کارزار خیزش انقلابی واقف شده‌اند. چگونه کمیته‌های اعتصاب و هسته‌های فعال و چابک سیاسی می‌توانند با سازماندهی اعتصاب و دخالت‌گیری سیاسی و مشارکت در پراتیک با جهت دادن اعتراضات و هدایت توده‌ها، خون در رگ‌های انقلاب بوانند و صدای خود را به همه‌جا برسانند. در ارتباط با طبقه کارگر به تلاشی بیش از آنچه تاکنون انجام‌گرفته نیاز هست. طبقه کارگر نیاز به امر آموزش دارد، در زمینه آموزش سیاسی-تئوری و تشکیلاتی خیلی کار نشده است. برای رسیدن و حرکت به‌سوی یک جامعه سوسیالیستی، دمکراتیک و برابر، کارگران را باید آموزش داد. علم و دانش مارکسیستی را در میان کارگران ترویج کرد، آنان را با تجربیات نظری و عملی جنبش کارگری و کمونیستی بین‌المللی آشنا کرد. فن تشکیلات سازی و کار تشکیلاتی را باید کارگران فراگیرند. کارگران باید دانش و علم مارکسیستی را با زندگی و فعالیت عملی خود پیوند بزنند. سازمان‌ها و احزاب کارگری و مارکسیستی موظف‌اند دانش مارکسیستی را در پیوند با زندگی کارگران و همچنین محیط کار، به‌طور مرتب تبیین کنند و توضیح بدهند. از آموزش روزانه کارگران در یادگیری فن برخورد با پلیس و فن مخفی‌کاری تشکیلاتی غفلت نشود. تلاش شود ارتباط با این طبقه ارتقا پیدا کرده و به یک رابطه مستقیم با بخش بیشتری از طبقه کارگر و اقشار زحمتکش بیانجامد. زمینه کار تشکیلاتی نسبت به زمان پیش از خیزش مهسا بسیار مساعدتر شده است. برای ایجاد و تکثیر کمیته‌های اعتصاب و سازماندهی اعتصابات سراسری کارگری، بیش از پیش باید نیرو گذاشت. بخش‌های زیادی از نیروهای اجتماعی درگیر فعالیت سیاسی شده‌اند که به‌نوبه خود باعث تقویت جنبش و فعالیت آگاهانه برای خود شده‌اند. ده‌ها فاکتور بیش از آنچه اشاره شد در آمادگی طبقه کارگر برای اعتصابات سراسری، اعتصاب عمومی سیاسی و خیزش نهائی کارگران عمل می‌کند که باید فعالین و پیشروان و احزاب و سازمان‌های کارگری پاسخ مشخص به آن‌ها بدهند تا طبقه کارگر بتواند تمام‌قد به رهبری انقلاب بر خیزد. ما امیدواریم که در سال جدید با برنامه‌های بهتر و عملی‌تر در تلاش مبارزاتی خود و در پیوند با مبارزات اجتماعی بخصوص در ارتباط با طبقه کارگر قرار بگیریم تا بتوانیم با انسجامی برگرفته از یک نظم تشکیلاتی محکم در تحقق اهداف نهائی جنبش طبقه کارگر، سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه‌ای نو و سوسیالیستی گام‌های نهائی خود را برداریم.

زنده‌باد انقلاب! زنده‌باد سوسیالیسم!

نابود باد سرمایه‌داری

فعالان کارگری جنوب.

۱۴۰۱/۱۲/۲۶

کار، نان، آزادی- حکومت شورایی



**اطلاعیه شورای نیروهای چپ و کمونیست
در رابطه با درگذشت نا به هنگام**

رفیق صالح احمدیان

متأسفانه مطلع شدیم که رفیق صالح احمدیان، کمونیست و کادر هسته اقلیت دیروز ۱۴ مارس در اثر بیماری مزمن سرطان در کشور نروژ درگذشت.

رفیق صالح از دوره نوجوانی به فعالیت سیاسی رو آورد و به صفوف چریکهای فدایی خلق ایران پیوست. او بیشتر از سی سال از زندگی پربار فعالیت سیاسی خود را در صفوف هسته اقلیت انجام داده است. در کنار فعالیتهای سیاسی دیگرش به نمایندگی از طرف هسته اقلیت در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، فعالیت می‌کرد. ما افتخار آنرا داشتیم از نزدیک از صمیمیت و دقت بالای او در پیشبرد مسئولیتهایش برخوردار باشیم. جنبش کمونیستی و کارگری ایران بار دیگر عضو بزرگی را از دست داد. ما درگذشت رفیق صالح احمدیان را به خانواده و دوستانش و به رفقای هسته اقلیت تسلیت می‌گوییم.

یادش گرامی و راهش پر توان باد
شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۱۵ مارس ۲۰۲۳



**وخامت شرایط
پناهجویان ایرانی
در ترکیه و
خطر استرداد آن‌ها
به ایران!**

طبق اخبار و گزارشات منتشره طی روزهای اخیر، سازمان ملل پرونده پناهندگی بسیاری از ایرانیان در ترکیه را بدون اطلاع به آن‌ها مختومه اعلام کرده است. به این ترتیب پناهجویانی که پس از ماه‌ها و سال‌ها انتظار موفق به دریافت پناهندگی از کشورهای دیگر شده بودند و منتظر طی مراحل قانونی پرونده خود بودند، از لیست پناهندگی مندرج در سایت سازمان ملل خارج شده و در بلاتکلیفی به سر می‌برند. این امر به این معناست که ایرانیانی که پس از سال‌ها انتظار و بلاتکلیفی موفق به اخذ پناهندگی از کشورهای ثالث شده بودند، مجدداً باید پروسه پناهندگی خود را از سر گیرند و چه‌بسا در معرض استرداد به ایران قرار گیرند. طبق آمار سازمان‌های پناهندگی تعداد این دسته از ایرانیان در ترکیه حدود ۴ هزار تن است.

گرچه شرایط پناهجویان در ترکیه طی ده‌های گذشته همواره با بلاتکلیفی، مخاطرات و فشارهای فراوانی همراه بوده اما از سال ۲۰۱۸ یک فاکتور دیگر به این مجموعه اضافه شده است. در سپتامبر ۲۰۱۸ (مهرماه ۱۳۹۶) سازمان ملل رسیدگی به پرونده‌های پناهجویان را به اداره مهاجرت ترکیه واگذار کرد و همین امر به ناپسامانی و تعلل در پیگیری پرونده‌ها انجامیده است. ضمناً نقش روابط و زد و بندهای سیاسی ایران و ترکیه نیز بر این روند تأثیرگذاری بیشتری پیدا کرده است. طی سال‌های گذشته و برخوردهای غیرانسانی سازمان ملل و اداره مهاجرت ترکیه با پناهجویان از یکسو و نقش مافیایی باندهای قاچاق برای سرکسسه کردن پناهجویان برای انتقالشان به کشور ثالث از سوی دیگر زندگی را بر هزاران ایرانی پناهجو در ترکیه سیاه کرده و بسیاری را در معرض خطر استرداد به ایران قرار داده است.

وضعیت پناهجویان ایرانی در ترکیه نمونه آشکاری از سیاست‌های غیرانسانی دول سرمایه‌داری و جریان‌های راست این جوامع است. آن‌ها از یکسو درهای خود را بسته‌اند و از سیاست پناهندمپذیری در کشورهای همجوار دفاع می‌کنند، اما زمانی که کشوری همچون ترکیه حقوق اولیه پناهجویان ایرانی را نقض و زندگی و آینده آنان را به بازی می‌گیرد، سکوتی مرگبار می‌کنند.

کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) اقدامات ضد انسانی و تعلل نهادها و ارگان‌های ذی‌ربط در رسیدگی به وضعیت پناهجویان ایرانی را محکوم می‌کند و نسبت به خطر استرداد این پناهجویان و تبعات آن هشدار می‌دهد. حمایت از پناهجویان ایرانی که برای نجات جان خود گریخته و ماه‌ها و سال‌ها در شرایط غیرانسانی و بلاتکلیفی قرار دارند، وظیفه انسانی افراد، نیروها و جریان‌های پیشروی ایران و جهان است.

کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۹ مارس ۲۰۲۳ برابر با ۲۸ اسفند ۱۴۰۱



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در باره منشور اپوزیسیون ضد انقلاب رضا پهلوی و شرکا

از دهم فوریه که همایش گروهی از نیروهای بورژوازی ضد انقلاب در دانشگاه جرج تاون واشنگتن برگزار شد، رضا پهلوی و هم‌پیمانانش وعده دادند تا پایان ماه فوریه منشور گذار از جمهوری اسلامی را رونمایی خواهند کرد. این وعده آنان، شور و شوق زیادی را در میان نیروهای اپوزیسیون راست افراطی ایجاد کرد. رسانه‌های بورژوازی به طور شبانه روز از تدوین منشور فوق حرف زدند و لحظه رونمایی آن را با بوق کرنا تبلیغ کردند. سرانجام پس از آنهمه جار و جنجال تبلیغاتی رسانه‌های بورژوازی، روز یکشنبه ۱۲ مارس (۲۱ اسفند) منشور سرپا ارتجاعی و ضد انقلابی اپوزیسیون راست افراطی با امضای رضا پهلوی و هم‌پیمانانش حامد اسماعیلیون، شیرین عبادی، مسیح علی‌نژاد، نازنین بنیادی و عبدالله مهدی منتشر شد. منشوری که شالوده آن یکسره در ساخت و پاخت و چانه زنی با دولت‌های غربی بنیان نهاده شده است تا طراحان آن بتوانند از بالای سر مردم، انقلاب توده‌های مردم ایران را ذبح و رژیم سرمایه‌داری دیگری را بر جان و هستی کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل کنند. منشوری که با دست و دل بازی تمام، کوشیده است تا مبارزات قهرمانانه توده‌های مردم ایران را در پای مذاکره با دولت‌های غربی به سلاخی بکشاند.

این منشور آنچنان بی‌مایه است، که حتی شکاف در درون نیروهای راست از جمله سلطنت‌طلبان را تشدید کرد. اپوزیسیون دست راستی بورژوازی را ناامید و آنان را به شکوائیه از محتوای این منشور کشانید. بی‌مایگی و ناهمگونی مضمون و محتوای این منشور با خواست‌ها و مبارزات خیابانی توده‌های مردم ایران آنچنان عمیق است، که حتا امضاکنندگان منشور، پس از رونمایی از آن، هر کدام ساز خود را در تفسیر بندهای آن می‌زنند.

نویسندگان "منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی"، که پیش از این، همه توان خود را در گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی گذاشته بودند، اکنون که منشور خود را رونمایی کرده‌اند، با وقاحت تمام همان نیروهای تروریست و آدمکش سپاه پاسداران برایشان عزیز شده‌اند. تا جاییکه مجموعه مزدوران سپاه پاسداران را در وجود چند فرمانده جلا و آدمکش خلاصه کرده‌اند. آنان، با وقاحت تمام ارتش سرکوبگر جمهوری اسلامی را تطهیر و از ادغام سپاه تروریستی در ارتش سخن گفته‌اند. مدعیان هم‌پیمان با دول امپریالیستی، که با فریب و ریا نام "مهسا" را بر منشور خود نهاده‌اند، از هم اکنون نسبت به ارتش دست‌ساز جمهوری اسلامی ابراز وفاداری کرده و خواهان حفظ نام و تمام ارکان این ارتش سرکوبگر شده‌اند. غافل از اینکه جمهوری اسلامی از همان آغاز به قدرت رسیدن، با گماردن وابسته‌ترین نیروهای مزدور خود در رده‌های بالا و میانی ارتش سرکوبگر بازمانده از رژیم پادشاهی را همانند سپاه پاسداران به ارتشی مزدور، ایدئولوژیک و وفادار به خود تبدیل کرد.

منشور ارتجاعی و ضد کارگری ۶ نفره رضا پهلوی و هم‌پیمانان او، نه تنها کمترین ارتباطی به منافع کارگران و توده‌های زحمتکش ایران ندارد، نه تنها نشانی از حق و حقوق ملیت‌های تحت ستم ایران در آن گنجانده نشده است، بلکه تنظیم‌کنندگان آن، با سوار شدن بر مبارزات خیابانی زنان و توده‌های مردم ایران از هم اکنون در مقابل توده‌های تحت ستم و نیروی بزرگ کارگران و زحمتکشان صف آرایی کرده‌اند. طراحان منشور فوق، از آنجا که می‌دانند، منشورشان تنها پاسدار نظم طبقاتی، ستمگرانه و استثمارگرانه سرمایه‌داری حاکم بر ایران است، و باز از آنجا که بر این امر آگاهند که کارگران و توده‌های رنج و کار و زحمت، هرگز به چنین منشور ضد کارگری تن نخواهند داد، از هم اکنون با تطهیر ارتش و ادغام نیروهای مزدور و آدمکش سپاه در ارتش سرکوبگر جمهوری اسلامی، خود را برای سرکوب کارگران و توده‌های مردم ایران در دوران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی آماده می‌کنند.

منشور رضا پهلوی و شرکا، اگرچه از نظر کارگران و توده‌های مردمی که هم‌اینک در کارخانه و کف خیابان برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند، محلی از اعراب ندارد، با این همه باید در افشای این منشور ضد کارگری نیرو گذاشت و به توده‌های مردم ایران بیش از پیش نسبت به ماهیت ارتجاعی و اهداف ضد انقلابی منشور بورژوازی رضا پهلوی و شرکای آن هشدار داد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، در هم‌کوبیدن ماشین بورا کراتیک - نظامی سیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران و برقراری یک دولت کارگری - شورایی مبارزه می‌کند، کارگران، زنان، معلمان، دانشجوین، نویسندگان و عموم توده‌های مردم ایران را به هوشیاری در مقابل دسیسه‌های این منشور ضدانقلابی فرا می‌خواند و به سهم خود در افشای ماهیت این منشور ارتجاعی و تنظیم‌کنندگان آن پیگیرانه مبارزه می‌کند.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۵ مارس ۲۰۲۳ (۲۴ اسفند ۱۴۰۱)

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمیت، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

خوانندگان گرامی نشریه کار:

شماره بعدی نشریه کار (۱۰۱۴) در تاریخ

۱۴ فروردین ۱۴۰۲ منتشر میشود.



در آستانه سال نو، ضحاک زمانه همچنان به آشامیدن خون مردم ستم‌دیده‌ی ایران مشغول است

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی سحرگاه روز جمعه محی‌الدین ابراهیمی را اعدام کرد. محی‌الدین ابراهیمی کولبری بود که به دلیل بیکاری و فقر مجبور به کولبری شده بود. مزدوران رژیم در آبان ۹۶ او را که در حال حمل کالا (۱۴ کارتن آبجو) بر دوش خود بود، با شلیک گلوله مجروح کردند. بر اثر شدت جراحت، محی‌الدین ابتدا به بیمارستان منتقل و سپس در شکنجه‌گاه اطلاعات سپاه ارومیه به زنجیر کشیده شد. در شکنجه‌گاه اطلاعات سپاه به او اتهام حمل سلاح و همکاری با حزب دموکرات زده شد ولی او هیچ‌گاه نپذیرفت. همچنین در حالی که پیش از این نورالدین، برادر او در حین کولبری به دست مزدوران رژیم به قتل رسیده بود، بازجویان در پرونده‌ی او از برادرش به‌عنوان عضو حزب دموکرات یاد کرده و کشته شدن او را نیز به همین موضوع ربط داده بودند. محی‌الدین به‌رغم رد پرونده‌سازی بازجویان خون‌آشام رژیم، در مرداد سال ۹۷ بدون داشتن وکیل تعیینی و تنها براساس پرونده‌ای که بازجویان آماده کرده بودند، به اعدام محکوم شد. همراه با محی‌الدین که پدر دو کودک بود و تنها جرم‌اش تن دادن به کار طاقت‌فرسای کولبری برای تامین حداقل نیازهای خانواده بود، ۶ زندانی دیگر با نام‌های نسرین نیازی، فروهر عباس‌نژاد، محمد ابوییان، جهانخوش رادلویی، حسن عمری و یاسین رشیدی عمدتاً به اتهام حمل مواد مخدر در زندان ارومیه اعدام شدند. در همین روز یک زندانی دیگر در زندان خرم‌آباد اعدام گردید. براساس اخبار منتشره، از ابتدای سال جاری میلادی یعنی حدود دو ماه و نیم پیش، حداقل ۱۴۵ نفر در ایران اعدام شده‌اند که اتهام بیش از ۹۰ نفر از آن‌ها حمل مواد مخدر بوده است. تنها از ۱۰ اسفند تا روز جمعه ۲۶ اسفند ۳۷ نفر توسط رژیم خون‌آشام جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند.

شب گذشته صدها تن از مردم ارومیه با شنیدن خبر احتمال اجرای احکام اعدام زندانیان، در برابر زندان ارومیه تجمع کرده و خواستار لغو احکام اعدام آن‌ها شده بودند. اما ضحاک زمانه حتا در روزهای آخر سال و در آستانه عید نوروز نیز از خونریزی و آشامیدن خون مردمان این سرزمین دست نکشید. اعدام زندانی سیاسی محی‌الدین ابراهیمی و ۶ زندانی دیگر انتقام جمهوری اسلامی از مبارزات مردم قهرمان ایران بویژه کردستان، "گورستان فاشیستان" است. همان‌طور که در ماه‌ها و هفته‌های گذشته ده‌ها جوان بلوچ به اتهام مواد مخدر در زندان اعدام شدند و ده‌ها جوان دیگر بلوچ و کرد تنها به خاطر سوختبری و کولبری توسط مزدوران رژیم به قتل رسیدند.

تداوم و افزایش اعدام‌ها در ایران در حالی‌ست که فریاد رسای مردم ایران در مخالفت با صدور و اجرای احکام اعدام در چهارگوشه‌ی کشور طنین انداز شده است و خانواده‌های زندانیان محکوم به اعدام بارها در برابر زندان‌ها و یا مراکز قضایی رژیم دست به تجمع اعتراضی زده‌اند. در روزهای گذشته همچنین اخباری از کشته شدن چند زندانی سیاسی دیگر در زندان‌ها منتشر شده است. شیرزاد احمدی‌نژاد اهل شهر بوکان یکی از این زندانیان بود که ۲۶ بهمن‌ماه توسط نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران دستگیر و در بازداشتگاه اطلاعات سپاه ارومیه در زیر شکنجه به قتل رسید. روز چهارشنبه ۲۴ اسفند مزدوران رژیم در تماس با خانواده‌ی وی مرگ او در زندان را به اطلاع آن‌ها رساندند.

صادق فولادی و ندا کارگر کفاش ۲۹ ساله، دیگر زندانی سیاسی بود که ۱۴ بهمن توسط اطلاعات سپاه پاسداران در گچساران دستگیر شد و ۲ اسفند جسد وی در کانال آبی در شهر گچساران پیدا شد، در حالی که آثار شکنجه‌های وحشیانه بر بدن وی کاملاً آشکار بود. صادق یکی از جوانان مبارز، فعال و رادیکال شهر بود.

قتل صادق فولادی و ندا و شیرزاد احمدی‌نژاد در زیر شکنجه و اعدام محی‌الدین ابراهیمی بار دیگر ثابت کرد که برای مردم ایران هیچ راهی جز سرنگونی قهرآمیز رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی وجود ندارد.

این جنایات، آن‌هم در آستانه سال نو و در حالی که روز گذشته آرامستان‌های ایران مملو از مردمی شده بود که برای پاسداشت عزیزان به‌خون خفته و قهرمان خود با شعارهایی علیه جمهوری اسلامی تجمع کرده بودند، بار دیگر اهمیت مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را به ما یادآور کرد، همچنین اهمیت اتحاد و همدلی تمامی مردم ستم‌دیده‌ی ایران را برای تشدید مبارزه و سرنگونی جمهوری اسلامی.

سازمان فدائیان (اقلیت) در آستانه سال نو همراه با خانواده‌های جان‌فشاندگان مبارزات چهل و چهارساله‌ی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، یاد عزیز تمامی آن گل‌های سرخ خفته در خاک را گرامی می‌دارد.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار لغو فوری صدور و اجرای حکم اعدام است.

سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی است و در این روزهای سخت، در این روزهای مبارزه و خشم، در کنار آن‌ها و خانواده‌های‌شان قرار دارد.

ما خواهان لغو فوری هرگونه شکنجه جسمی و روحی هستیم. ما خواستار آزادی بی‌قید و شرط بیان و اندیشه، اجتماعات، تشکیل احزاب، سندیکا و دیگر تشکل‌های توده‌ای هستیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۶ اسفند ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

آتش خشم توده‌ها سراسر ایران را فرا گرفت

دیروز مردم قهرمان ایران، در سراسر کشور، از خوزستان تا بلوچستان، از آذربایجان تا خراسان، به‌مناسبت چهارشنبه‌سوری به خیابان‌ها آمدند، و پای‌کوبان و رقص‌کنان، دست در دست یکدیگر، با به آتش کشیدن نمادهای حکومتی از جمله پرچم جمهوری اسلامی و تصاویر و بنرهای مقامات حکومت اسلامی، بار دیگر نشان دادند که به چیزی جز سرنگونی حکومت اسلامی راضی نخواهند شد و برای به زیر کشیدن حاکمان جبار آمده‌ی هرگونه جانفشانی هستند.

در این روز، دختران جوان و نوجوان بدون حجاب اجباری، روسری‌ها را به‌عنوان نماد اسارت زن و تحجر اسلامی به آتش کشیدند و با شعار "مرگ بر خامنه‌ای" فریاد زدند که دیگر حاضر به تن دادن به اسارت و تبعیض نیستند.

بویژه در تهران و شهرهای کردستان حضور مردم بسیار چشمگیر بود. در تهران در بسیاری از محلات و خیابان‌ها از نازی‌آباد تا جوادیه و فلاح، از نظام‌آباد و هفت‌حوض تا ونک و اکباتان و آذربایجان و شوش، در همجا حضور مردم بویژه جوانان آن‌چنان چشمگیر بود که ماموران حکومتی جرات مقابله با مردم را نیافته و مجبور به فرار شدند. در میدان انقلاب تهران مزدوران رژیم علیه مردم از گاز اشک‌آور استفاده کردند. در برخی از شهرهای دیگر همچون بوکان نیز درگیری‌هایی بین مردم و مزدوران رژیم رخ داد. در دیواندره مردم با حضور در برابر فرمانداری شعله‌های آتش خشم خود را نثار رژیم کردند. در دیواندره نیز مردم با حضور در برابر فرمانداری نارنجک‌های دست‌ساز خود را به سمت این مرکز هدایت‌کننده‌ی سرکوب پرتاب کردند.

مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر، ژن ژیان نازادی، شهید نامری، زن زندگی آزادی، کوردستان گورستان فاشیستان، آزادی آزادی آزادی، فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی، از جمله شعارهای مردم بپا خاسته در روز گذشته بود.

جمهوری اسلامی که از قبل این ارزیابی را داشت که ممکن است مردم در این روز بار دیگر خیابان‌ها را به تسخیر خود درآورند، به همه‌ی مزدوران خود آمادهباش داده بود. حتا رسماً اعلام کرده بودند که برای کنترل فضا از نیروهای بسیج، مساجد و "لباس شخصی" استفاده خواهند کرد، اما تمامی تدابیر جمهوری اسلامی در برابر اتحاد و همدلی مردم ایران رنگ باخت و خیابان‌ها در سراسر کشور به تسخیر مردم درآمد. توده‌های ستم‌دیده و قهرمان ایران با نمایش دیروز ثابت کردند که اگر همگی در ابعادی سراسری و میلیونی بپا خیزند، هیچ نیروی سرکوبی قادر به مهار آتش خشم آن‌ها نیست.

زنده باد توده‌های قهرمان و ستم‌دیده‌ی ایران، زنده باد جوانان شجاع و بی‌پاک، زنده باد دختران جوان و نوجوانی که شجاعت و فریاد رسای آن‌ها دنیا را به حیرت واداشته است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۴ اسفند ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

تصحیح:

در شماره ۱۰۱۲ نشریه کار، مقاله " پاسخی کوتاه به یک مدافع سینه‌چاک منشور حداقلی"، شماره ۱۱۰ اشتباه است، صحیح آن شماره ۱۰۰۹ است.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید
با یک اعتصاب عمومی
سیاسی و قیام مسلحانه
برانداخت**

با گرامی داشت ۱۸ مارس برای آزادی زندانیان سیاسی پیا خیزیم

همین مدت کوتاه چند ماهه چه سرکوب و کشتار خونینی بر مردم ایران اعمال شده است. لازم به گفتن نیست، کشتار و اعدام و شکنجه، به هر اندازه ای که باشد، اقدامی شنیع، وحشیانه و به غایت ضد انسانی است. با این همه ماهیت و بزرگی هر کشتار و قتل عامی را علاوه بر ابعاد جنایت، می بایست در ارتباط با شرایط زمانی و تاریخی وقوع آن جنایت هم سنجید و مورد تامل قرار داد.

بیش از دو هزار سال پیش، وقتی قیام بردگان به رهبری اسپارتاکوس شکست خورد، برده داران و حاکمان فاتح آن روز، ۶ هزار برده شورشی را به صلیب کشیدند. اقدامی به شدت فاجعه بار که تا به امروز هم بر پیشانی زمین داران و اشراف روم باستان حک شده است. با گذشت دو هزار سال از آن تاریخ و در پی تحولاتی که در این مدت بر جوامع بشری رفته است، امروز اگر حکومت یا حاکمانی فقط یک نفر را به صلیب بکشند، شناخت و بی رحمی این اقدام جنایتکارانه، بسی فراتر از به صلیب کشیدن ۶ هزار برده شورشی در آن بازه زمانی ۲ هزار سال پیش خواهد بود. با چنین درکی از روند تکاملی تاریخ و در نظر گرفتن وجود نهادهای بین المللی و انبوه سازمان های مدافع حقوق زندانیان سیاسی، می توان ادعا کرد، سرکوب و کشتار و شکنجه ای را که جمهوری اسلامی طی سال های گذشته بر توده های مردم ایران روا داشته است، به مراتب خشن تر، وسیعتر و بی رحمانه تر از سرکوب و کشتار کموناردهای پاریس در ۱۸۷۱ است.

صد و پنجاه سال پیش که فاجعه کشتار کموناردها به دست بورژوازی فرانسه صورت گرفت، نه سازمان ملل متحدی وجود داشت که به صورت نیم بند کنونی، حکومت ها را به خاطر سرکوب و کشتار محکوم کند و نه سازمان های به اصطلاح مدافع حقوق بشر و عفو بین المللی در کار بود، تا با گزارش دهی از میزان کشتار و شکنجه و آمار اعدام شدگان، جهان و جهانیان را از جنایات وحشیانه ای که در هر کشور رخ می دهد با خبر سازد و نه رسانه های خبری به گستردگی امروز بود تا بتوانند رژیم های ارتجاعی و سرکوبگر را در نزد افکار عمومی رسوا سازند.

صد و بیست سال بعد از کمون پاریس، در سه سال اول دهه شصت، جمهوری اسلامی هزاران نفر از زندانیان سیاسی و اعضا و هواداران سازمان های انقلابی و چپ و کمونیست را در مقابل چشمان سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین الملل و دیگر نهادهای حقوق بشری به خاک و خون کشید، بی آنکه کمترین صدایی از این سازمان های جهانی به اصطلاح مدافع زندانیان سیاسی برآید. در کمون پاریس، ۳ هزار نفر در زندان قتل عام شدند. جمهوری اسلامی در تابستان ۶۷ و طی کمتر از دو ماه، بیش از ۵ هزار زندانی سیاسی محکوم به حبس را به دار آویخت. در کمون پاریس ۱۳ هزار و هفتصد نفر به حبس های طولانی مدت محکوم شدند. در

جمهوری اسلامی طی شش ماه گذشته ده ها هزار نفر دستگیر شده اند که طبق ادعای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نزدیک به ۲۲ هزار نفر از آنان آزاد یا تقلیل حکم یافته اند. اینکه چه تعداد از زنان و جوانان و توده های مردم ایران در چند ماه گذشته دستگیر شده اند، چه تعداد در زندان ها زیر شکنجه جان باخته اند و چه تعدادی از دستگیرشدگان هنوز در زندان های جمهوری اسلامی زیر فشار و شکنجه بسر می برند، بر کسی معلوم نیست.

تا پیش از اظهار نظر محسنی اژه ای، برآوردهای عمومی بر این بود که طی ۶ ماه گذشته ۲۰ هزار نفر بازداشت شده اند، نزدیک به ۶۰۰ نفر، از کیان ده ساله گرفته تا دختران جوان زیر ۱۸ سال در کف خیابان ها به دست مزدوران امنیتی رژیم کشته شده اند. بسیاری از بازداشت شدگان زیر شکنجه بازجویان آدمکش جمهوری اسلامی جان باخته اند. تعداد زیادی با شلیک گلوله های ساچمه ای، یک یا هر دو چشم خود را از دست داده اند. چندین نفر اعدام شده اند و بسیاری همچنان به صورت روزانه دستگیر می شوند. از میان کشته شدگان حدود ۶۰ نفر زن و کودک بوده اند. ژینا امینی، مرضیه دشمن زیاری، ندا بیات، نگین عبدالملکی، سارینا اسماعیل زاده، آسرا پناهی، پردیس جاوید، هانا دوزدوزانی، مائده جوانفر، سارینا ساعدی، ناهید مصطفی پور، نسرين قادری، نسیم صدقی، فرشته احمدی، غزاله چلاوی، خنانه کیا، مهسا موگویی، پارمیس همنوا، آرتیکا قائم مقامی، حدیث نجفی، پریسا بهمنی و نیکا شاکرمی از جمله دختران جوانی هستند که در همان روزها و هفته های اولیه جنبش انقلابی توده های مردم ایران با ضربات باتوم و یا شلیک مستقیم گلوله ماموران امنیتی جان باختند. محسن شکاری، مجید رضا رهنورد، محمد مهدی کرمی و محمد حسینی از جمله دستگیرشدگانی بوده اند که پس از بازداشت در زمان کوتاهی به اتهام "افسادی الارض" در دادگاه های فرمایشی محاکمه و به فریبت اعدام شدند. همه این سرکوب و کشتارهای وحشیانه و خونین، نه در دوران بربریت و قرون وسطی، که در شرایط روشنگری امروز و در مقابل چشمان سازمان ملل متحد، عفو بین الملل و دیگر نهادهای حقوق بشری رخ داده است.

در واقع، جمهوری اسلامی با چنین ظرفیتی از کشتار و شکنجه و اعدام، که در این دوران روشنگری و لغو اعدام و شکنجه از خود نشان داده است، اگر ۲ هزار سال پیش بر اریکه قدرت بود، مسلماً بیش از ۶ هزار برده را به صلیب می کشید. اگر در سال ۱۸۷۱ بر فرانسه حاکمیت داشت، قدر مسلم انتقام خونین تری از کموناردهای پاریس می گرفت و تعداد بیشتری را قتل عام می کرد. لذا با توجه به مفروضات فوق، اگر امروز جمهوری اسلامی نمی تواند حمام خونی را که در دهه ۶۰ به راه انداخت، دوباره احیا کند، اگر خامنه ای و دیگر جنایتکاران جمهوری اسلامی دیگر نمی توانند

همانند دهه ۶۰ سکوت گورستانی را بر جامه حاکم کنند، نه به دلیل تغییر ماهیت آنهاست و نه صرفاً زیر فشار سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی حقوق بشری مجبور به عقب نشینی از اعدام وسیع دستگیرشدگان شده اند، بلکه آنچه جمهوری اسلامی را به عقب نشینی در این بازه زمانی کشانده است تا دیگر نتواند کشتارهای دهه ۶۰ را احیا کند، همانا مبارزات قهرمانانه توده های مردم ایران است که رژیم را در عرصه بین المللی مفتضح کرده و دست جنایتکاران رژیم را در اعدام و کشتار بیشتر مردم بسته است.

فراموش نکنیم در دهه ۶۰، هم سازمان ملل و هم تمامی نهادهای حقوق بشری که اکنون علیه جمهوری اسلامی موضع گیری کرده اند، جملگی در آن دهه خونین وجود داشتند. فاجعه ای که در دهه ۶۰ بر مردم ایران آوار شد، قدر مسلم سنگین تر از سرکوب و کشتار سال های اخیر بوده است. پس چرا در آن سال ها، هیچ صدای اعتراضی از این محافل بین المللی بر نخاست؟ چه چیز در این میان تغییر کرده است که طی ماه های اخیر، نه فقط سازمان ملل متحد، نه فقط سازمان عفو بین الملل و دیگر نهاد حقوق بشری، که حتی دولت های غربی نیز ظاهراً به حمایت از مبارزات توده های مردم ایران برخاسته اند و در مواردی هم رای به محکومیت جمهوری اسلامی داده اند.

بی تردید، تنها مولفه ای که شرایط کنونی جامعه ایران را با شرایط دهه ۶۰ متفاوت کرده است، همانا مبارزات قهرمانانه و حضور سلحشورانه زنان و جوانان و توده های مردم ایران در این بازه زمانی معین است. در این مدت، مبارزات دلیرانه زنان و دختران جوان ایران افکار عمومی جهان را تسخیر کرد. انتشار اخبار اعتراضات توده های مردم ایران برای نخستین بار به تیر معتبرترین رسانه های جهان تبدیل شد. در پی اقدامات شجاعانه زنان و دختران جوان، افکار بشریت مترقی به شدت به حمایت از مبارزات قهرمانانه مردم ایران کشیده شد. تنها پس از شکل گیری این وضعیت بود که سازمان ملل به تکاپو افتاد. گزارش دهی عفو بین الملل شتاب گرفت و این نهاد بین المللی مدافع حق و حقوق زندانیان سیاسی، بیش از هر زمان دیگری به روشنگری از جنایات جمهوری اسلامی پرداخت. از شکنجه و تجاوز به زندانیان در زندان های جمهوری اسلامی سخن گفت. اسامی کشته شدگان را منتشر کرد. در میان پارلمان های اروپا و کانادا جنبش "وکالت" از بازداشت شدگان به راه افتاد. هر نماینده پارلمانی "وکالت" از یک یا چند زندانی را به عهده گرفت. اسامی زندانیان محکوم به اعدام به صورت شبانه روزی در رسانه های بین المللی تکرار شد و در نتیجه، تعدادی از دولت های جهان با ادعای حقوق بشری و دفاع از زندانیان سیاسی، اینبار بر خلاف دهه ۶۰ مجبور به حمایت از مبارزات مردم ایران شدند. نهادهای بین المللی در مواردی به محکومیت جمهوری اسلامی رای دادند. در این مدت، تعداد بازداشت شدگان به حدی بالا بود که دیگر جایی برای اسکان دستگیرشدگان وجود نداشت. تا جایی که پادگان ها و مساجد نیز به زندان موقت بازداشت شدگان تبدیل شد. اخبار آزار و شکنجه زندانیان، مدام در رسانه های عمومی درج و در شبکه های اجتماعی دست به

با گرامی داشت ۱۸ مارس برای آزادی زندانیان سیاسی بپا خیزیم

دست شد. با شکل گیری چنین فضایی بود که دیگر توسل به خدای دهه ۶۰ برای خامنه ای کارساز نشد. با وضعیت بوجود آمده جمهوری اسلامی به طرز بی سابقه ای در عرصه جهانی مفتضح شد. اینبار بر خلاف دهه ۶۰، خامنه ای در بد مخصوصه ای گیر کرده بود و برای مقابله با این همه معترضین بازداشت شده که هر لحظه انتظار شورش آنان در زندان می رفت، می بایست چاره ای می اندیشید. پروژه "عفو" زندانیان با محوریت تبلیغات رژیم در اعلام "توبه" و نوشتن "انزجار نامه" زندانیان کلید خود. روزشمار آزادی بازداشت شدگان ماه های اخیر و بعضا زندانیان سال های گذشته آغاز شد. ویدیوی سرود خوانی بند زنان به هنگام آزادی یاران زندانی شان در بیرون از زندان به چرخش درآمد. زندانیان زن همینکه از درب زندان بیرون آمدند، روسری از سر بر گرفتند. خانواده ها، نویسندگان و فعالان اجتماعی به استقبال زندانیان آزاد شده رفتند. در هیاهوی پروژه "عفو" و آزادی زندانیان، دستگیری ها اما همچنان ادامه یافت. همزمان با آزادی بازداشت شدگان، بازداشت و دزدیدن فعالان اجتماعی و معترضان خیابانی به اشکال مختلف ادامه یافت. در ادامه آزادی ها، سپیده قلیان بعد از ۴ سال و ۷ ماه حبس با روحیه ای سلحشورانه و شورشی آزاد و در مقابل درب زندان اوین با صدای بلند بانگ بر کشید: "خامنه ای ضحاک می کشیمت زیر خاک". آزادی او اما فقط ۴ ساعت طول کشید. سپیده قلیان این یار و یاور کارگران هفت تپه حتی فرصت رسیدن به خانه را نیافت. ماموران امنیتی در مسیر تهران به دزفول، خودرو او و خانواده اش را متوقف کردند، سپیده را ربودند و مجدداً به زندان اوین باز گرداندند. و بدین سان پروژه تبلیغات "انزجار نامه" نویسی زندانیان که از سوی دستگاه قضایی رژیم تبلیغ شده بود، به طرز بارزی شکست خورد.

اکنون در چنین روندی از مبارزات قهرمانانه توده های مردم ایران به نوروژ رسیده ایم. در این روزهای نوروژی، در این بهار طبیعت که زمستان را شکسته است، اگرچه سپیده قلیان و بسیاری از زندانیان زن و مرد دیگر در آن سوی دیوارند و از بودن در کنار خانواده هایشان محروم، اما دیر نیست که با گسترش اعتصابات کارگری و ادامه مبارزات سلحشورانه توده های مردم ایران درب زندان های جمهوری اسلامی شکسته شود و مردم ایران با درآغوش گرفتن عزیزان زندانی شان، بهار آزادی را بر ویرانه های جمهوری اسلامی به جشن و پایکوبی بنشینند. در این بهار طبیعت، در این روزهای نوروژی، با گرامی داشت "روز جهانی زندانیان سیاسی"، بیائید متحد و یکپارچه در کنار خانواده های زندانیان سیاسی باشیم و با شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" برای رهایی آنان از زندان و بند بپا خیزیم. با امید به چنین روزی و تا رسیدن به بهار آزادی و دگرگونی نظم ستمگرانه موجود که دیر نیست، بهاران بر شما کارگران و زنان و توده های مردم ایران بویژه خانواده های جانباختگان و زندانیان دربند مبارک باد!



سپیده قلیان و عبور از دیوار زندانها! اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

سپیده قلیان، پس از ۴ سال و هفت ماه با فریاد "خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک" از زندان اوین آزاد شد. آزادی او اما فقط ۴ ساعت طول کشید و مجدداً توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ربوده و از زندان بزرگ ایران به زندان کوچک اوین منتقل شد.

سپیده قلیان در اعتصابات کارگران هفت تپه دستگیر و به پنج سال زندان محکوم شد و نامش یادآور هفت تپه ۹۷ است. سپیده قلیان از معبود زندانیانی است که دیوار زندانهای کوچک و بزرگ در مبارزاتش وقفه ای ایجاد نکرد. همراه با اسماعیل بخشی افشاگر شکنجه در زندانها شد. نقش آمنة سادات ذبیح پور را در اعتراف گیری زندانیان افشا کرد و در اضافه شدن "بازجو خبرنگار" به ادبیات سیاسی ایران نقش مهمی داشت.

برای آزار وی و خانواده اش به زندانهای متعدد تبعید شد و در هر زندان افشاگر وضعیت وخیم زنان گشت. زنانی که اغلب برای انتقام از همسران و اقوام خود که علیه رژیم اسلامی فعالیت می کردند به گروگان گرفته شده بودند. گزارش هولناکی از اوضاع زنان در "سیاه چال بوشهر، جایی نزدیک آخر دنیا" تهیه کرد و از انواع آزار و تعرض جنسی به زنان توسط مقامات زندان پرده برداشت. در زندان ها شعر گفت و نقاشی کشید. هنگام یک مرخصی کوتاه نمایشنامه تک نفری نوشت و خود آنرا اجرا کرد.

انعکاس و تاثیر فریاد "خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک" سپیده قلیان در فضای سیاسی ایران و در ششمین ماه حرکت انقلابی مردم فراتر از طاقت و تحمل رژیم اسلامی بود. سپیده قلیان را به زندان کوچک اوین بردند، نزد "سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، زهرا زهتابچی، بهاره هدایت، گلرخ ایرایی، ناهید تقوی و همه زندانیان سیاسی" که وی در همان اولین دقایق رد شدن از دیوار اوین خواهان آزادی آنها شده بود. رژیم اسلامی رفتنی است. زندانیان سیاسی تا پایان محکومیت شان در زندان نخواهند ماند. درب زندانها توسط مردم باز و زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۲۶ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۷ مارس ۲۰۲۳

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

با گرامی داشت ۱۸ مارس برای آزادی زندانیان سیاسی پیا خیزیم

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه
کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های
سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1013 March 2023

طرف "بین الملل کمک های سرخ" با شعار
"آزادی برای همه زندانیان سیاسی" در آلمان
برگزار شد، مجموعه گروه های مختلف زندانیان
سیاسی سابق که از اقصا نقاط جهان در این
کنفرانس حضور یافته بودند، به پاس اولین
انقلاب کارگری و با یادمان ده ها هزار
کموناردی که در سرکوب خونین کمون پاریس
کشته، زندانی و اعدام شدند، بار دیگر ۱۸ مارس
را به عنوان "روز جهانی زندانیان سیاسی"
اعلام کردند.

کشتار و قتل عامی که در کمون پاریس رخ داد،
نه اولین سری از کشتار کارگران و توده های
فرودست بوده است و نه آخرین آن. تاریخ جوامع
طبقاتی ملو از کشتار و قتل و زندان و شکنجه
هایی است که توسط حاکمان استثمارگر فرادست
جامعه علیه طبقات ستمدیده اعمال شده است.
نمونه بارز یک چنین کشتارهایی را طی ۴۴ سال
گذشته در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی
به کرات دیده ایم. برای نشان دادن ابعاد
وحشیگری های جمهوری اسلامی، دیگر لازم
نیست به دهه ۶۰ و سال های بعد از آن باز
گردیم. کشتار و تجاوز و شکنجه های وحشیانه
ای را که هیئت حاکمه ایران در همین چند ماه
گذشته علیه زنان و جوانان و عموم توده های
مردم ایران اعمال کرده است، نشان می دهد در
در صفحه ۱۲

در روزشمار حوادث بزرگ و تاریخی جهان،
۱۸ مارس (۲۷ اسفند) نه فقط سالروز تاسیس
کمون پاریس، اولین حکومت کارگری جهان
است، بلکه "روز جهانی زندانیان سیاسی" نیز
نامگذاری شده است. این روز نه تنها یادآور قیام
کمون پاریس در ۱۸۷۱ است، بلکه در عین حال
یادآور انتقام خونین بورژوازی هار فرانسه علیه
کموناردها است. در سرکوب و کشتار خونینی که
بورژوازی فرانسه و ارتجاع متحد اروپا علیه
کمون پاریس به راه انداخت، بیش از ۲۵ هزار
زن و مرد کمونارد جان باختند. ۳ هزار نفر در
زندان به قتل رسیدند و ۱۳ هزار و هفتصد نفر به
حبس های طولانی مدت محکوم شدند. کمون
پاریس با چنین حجمی از کشتار و زندان و
توحش و اعدام، به خاک و خون کشیده شد، اما
کمون به عنوان اولین حکومت کارگری جهان،
در خاطره کارگران و سوسیالیست ها و
کمونیست ها، نه به عنوان یک شکست که سر
فصل نبردی تاریخی شد که تا به امروز هم علیه
استثمار و ستم و تمامی اشکال سرکوب ادامه
دارد.

پس از گذشت نیم قرن از کشتار خونین
کموناردها، در سال ۱۹۲۳، "بین الملل کمک
های سرخ"، ۱۸ مارس را به عنوان "روز
جهانی کمک به زندانیان سیاسی" اعلام کرد.
بعدها، در سال ۱۹۹۹، در کنفرانسی که از



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم
شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت
ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در
ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت)
و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستا گرام و یوتوب نیز دنبال کنید.
مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید .
مشخصات ماهواره های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی